

# تصوف در آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه

سید مهدی طاهری<sup>۱</sup> و سید سعید هاشمی نسب<sup>۲</sup>

## چکیده

کشورهای آسیای میانه، قفقاز و روسیه از لحاظ ژئوپولوتیک اهمیت خاصی برای ایران دارند؛ بدان خاطر که نزدیکی جغرافیایی، تجربه های مشترک تاریخی و پیوندهای عمیق فرهنگی، ضرورت شناخت جریان های مختلف اسلامی را جهت بهره گیری از آن در راستای منافع ملی و دینی اجتناب ناپذیر کرده است.

قدرت های فرامنطقه ای فعال در حوزه مطالعاتی مذکور، بدلیل فضای باز سیاسی پس از فروپاشی شوروی و گسترش موج اسلام خواهی، همواره درصد ایجاد نفوذ در منطقه بر آمده اند و از جمله حرکت های اسلامی فعال در منطقه که در طول تاریخ - از بدو ورود اسلام تا بحال -، همواره نقش مهمی در میان مردم منطقه داشته است، جریان تصوف می باشد که علی رغم تضاد و مبارزه حکومت کمونیستی با چنین جریاناتی، هنوز نزد بسیاری از مردم کشورهای منطقه محبوبیت داشته و مانع مهمی برای گسترش فعالیت های وهابیت و القاعده در منطقه بشمار می رود.

با توجه به موارد فوق، نگارنده در صدد است تا ضمن بررسی نقش تاریخی تصوف در گسترش اسلام در این مناطق، همچنین به جریان شناسی تصوف و شناخت رقبای ایران در نحوه مواجهه با تصوف اقدام نموده، تا در نهایت بتوان با ارائه راهکار، برنامه هوشمندانه تری را در خصوص استفاده بهینه از این جریان در گسترش فرهنگ شیعی و ایرانی اتخاذ نمود.

**کلیدواژگان:** تصوف، فرهنگ اسلامی، رقیب شناسی، راهکارها.

<sup>۱</sup> دبیر گروه آفریقا و عربی، پژوهشکده مطالعات منطقه ای.

<sup>۲</sup> کارشناس گروه آفریقا و عربی پژوهشکده مطالعات منطقه ای.

یکی از مناطق مهمی که تصوف در آن نقش بسزایی در طول تاریخ داشته است، حوزه جغرافیایی آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه می باشد که قبل از طرح بحث های ابتدایی، ضرورت دارد که توضیح اجمالی از این مناطق ارائه دهیم.

آسیای مرکزی شامل محدوده ای از آسیا می باشد که در دوران معاصر، قلمرو سیاسی جمهوریهای ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان را در بر می گیرد.<sup>۱</sup> این محدوده جغرافیایی از شمال به روسیه، از شرق به چین، از جنوب به افغانستان و ایران و از غرب به دریای خزر محدود می شود. منطقه مذکور حدود ۵۰ میلیون نفر جمعیت دارد که بیش از سه چهارم آن مسلمان سنی با گرایش مذهب حنفی هستند.<sup>۲</sup> در کنار اکثریت اهل سنت، اسماعیلیه نیز در میان مسلمانان منطقه پیروانی دارد و طبق آمارهای غیر رسمی، جمعیت آنها حدود ۶۰/۰۰۰ تا ۱۰۰/۰۰۰ نفر برآورد می شود که در منطقه گورنو - بدخشان (کوههای پامیر)، واقع در جنوب شرقی تاجیکستان و هم مرز با افغانستان ساکن هستند.<sup>۳</sup>

قفقاز نیز بعنوان یکی از مناطق مهم، منطقه ای است کوهستانی که از سمت شمال به فدراسیون روسیه، از سمت جنوب به ایران و ترکیه، از سمت شرق به دریای خزر و از سمت غرب به دریای سیاه و آزوف منتهی می شود. مساحت این منطقه ۴۴۰ هزار کیلومتر مربع می باشد و به وسیله رشته کوههای قفقاز بزرگ (آب پخشان) به دو بخش قفقاز شمالی و قفقاز جنوبی یا ماوراء قفقاز تقسیم می شود که دارای جمعیتی بالغ بر ۳۰ میلیون نفر می باشد.<sup>۴</sup> ذکر این نکته ضروری است که بخشی از مسلمانان (حدود ۱۵ میلیون نفر)

<sup>۱</sup> . نسرین احمدیان شالچی، دیار آشنا: ویژگیهای جغرافیایی کشورهای آسیای مرکزی، مشهد؛ آستان

قدس رضوی، ۱۳۷۸، ص ۱۹.

<sup>۲</sup> علی رضا شیخ عطار، ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، وزارت امور خارجه،

۱۳۷۱، صص ۵ - ۷

<sup>۳</sup> جان آر. هینلز، فرهنگ ادیان جهان، ترجمه و ویراسته ع. یاشایی، قم؛ مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و

مذاهب، ۱۳۸۵، صص ۴۰ - ۴۱

<sup>۴</sup> غلامرضا هاشمی، امنیت در قفقاز جنوبی، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴، ص ۲۵.

در روسیه فعلی بسر برده و غالب آنها در مناطقی همچون تاتارستان، باشقیرستان (واقع در منطقه ولگا) و قفقاز شمال (شامل داغستان، چچن، اینگوش، چرکس، گاباردین و بالکار) زندگی می کنند.<sup>۱</sup> بیشتر جمعیت مناطق مذکور مسلمان بوده و از لحاظ دینی در قیاس با آسیای مرکزی تنوع بیشتری دارد. اکثریت مسلمانان منطقه حنفی بوده و مسلمانان داغستان شافعی می باشند و همچنین کردهای ساکن نواحی جنوب غربی قفقاز و ترکهای آذری شیعه هستند. البته اقلیتی یزیدی نیز در میان کردها دیده می شود.<sup>۲</sup>

حوزه های مذکور از لحاظ ژئوپولوتیک اهمیت خاصی برای ایران دارند؛ بدان خاطر که نزدیکی جغرافیایی در کنار تجربه های مشترک تاریخی و پیوندهای عمیق فرهنگی، رابطه با این منطقه را برای ایران اجتناب ناپذیر کرده است. علاوه بر این، اشتراک مرزهای ایران با ارمنستان، آذربایجان و ترکمنستان و ساحل جنوبی دریای خزر، اهمیت این منطقه را دو چندان می کند.

لازم به ذکر است که بعد از فروپاشی شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ و بازگشت این مناطق به دار الاسلام، اهمیت این منطقه برای ایران و جهان اسلام بیشتر شده است. همچنین باید یادآور شد که در دو دهه اخیر، موج اسلام خواهی در میان مردم منطقه، در اموری همچون ساخت و ساز مساجد، مدارس، زیارتگاهها، علاقه به آموزشهای دینی، تشکیل احزاب اسلامی و... بروز نموده است. این در حالی است که روسهای تزاری از قرن ۱۶ م به بعد آرام آرام در این مناطق مسلمان نشین سلطه یافته و عملاً از قرن ۱۸ م تا حکومت گورباچف در شوروی، فشار زیادی بر مسلمانان اعمال شد، تا جایی که حتی در صدد نابودی اسلام و تشکیل دولت - ملت خاص برآمدند. آنها برای نابودی اسلام به اقداماتی همچون کشتار، تبعید، تخریب اماکن مقدس، تخریب منازل، تغییر خط و زبان، تغییر روزهای تعطیل و روزهای مذهبی، تعطیلی مناسک مذهبی، نابودی مساجد و تغییر کاربری آن مبادرت ورزیدند. اما با شروع فضای باز سیاسی در دوره گورباچف (دهه ۱۹۸۰ میلادی)، مجدداً موج اسلام خواهی منطقه را فرا گرفت و

<sup>۱</sup> علی رضا شیخ عطار، پیشین، صص ۵-۷.

<sup>۲</sup> غلامرضا گلی زواره، جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، قم؛ دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، صص ۱۷۹.

بتدریج با فروپاشی شوروی، موج اسلام خواهی، خود را در حرکاتی همچون ساخت مساجد و مدارس، اهتمام به زیارتها و... نشان داد.

پس از ذکر مباحث مقدماتی، مهمترین سؤالی که به ذهن خواننده خطور می نماید این است که چه عاملی باعث حفظ اسلام در منطقه شده و اسلام در این منطقه حتی تحت شدیدترین فشارهای کمونیست ها به خاموشی نگرائید؟ به دنبال این سؤال درصددیم تا از لحاظ تاریخی در چند مرحله به وضعیت مسلمانان در این مناطق پرداخته تا پاسخ این سؤال را ارائه دهیم. لذا مباحث را به سه دوره تاریخی تقسیم نموده ایم. در دوره اول به چگونگی ورود اسلام تا قرن ۱۶ م و گسترش آن پرداخته شده است. دوره دوم که مربوط به قرون ۱۶ تا دهه ۸۰ قرن ۲۰ م، یعنی ابتدای حکومت گورباچف می باشد، می توان آن را دوره جهاد و مقاومت نامید. مرحله سوم که می توان از آن به دوره احیاء مجدد اسلام تعبیر نمود، از دوره حکومت گورباچف و سیاست آزادیهای اجتماعی حکومت او شروع شده و پس از فروپاشی شوروی نیز احیاء اسلام با سرعت بیشتری ادامه یافت.

دقت به این نکته ضروریست که با توجه به نام این مقاله که دنبال بحث و بررسی تصوف در این منطقه می باشد؛ گرچه مباحث مرتبط با اسلام در این مقاله لازم به نظر می رسد؛ ولی بدلیل محدود بودن حجم صفحات، ناچاریم که به روند تاریخی اسلام با رویکرد تصوف بپردازیم.

#### ۱. ( دوره اول ) روند اسلام و تصوف تا قرن ۱۶ میلادی :

۱.۱. مرور مباحث تاریخی : منطقه آسیای مرکزی برای اولین بار توسط مسلمانان طی خلافت معاویه تسخیر گردید. تصوف نیز به ویژه پس از تصرف بغداد توسط مغول ها در سال ۱۲۵۸ م تبدیل به یکی از مجاری گسترش اسلام در آسیای مرکزی و قفقاز شد.<sup>۱</sup> با گسترش اسلام در این مناطق، اقوام متعدد و گوناگونی در آسیای مرکزی، اطراف رود ولگا، شرق و غرب دریای خزر، قفقاز، داغستان و... که بیشتر از شاخه های مختلف نژاد ترک بودند، اسلام آوردند و

<sup>۱</sup> بی نا، بولتن ویژه، فهم تصوف و نقش بالقوه آن در سیاست خارجی آمریکا، تهران، مؤسسه ابرار معاصر تهران؛ فروردین ۱۳۸۴، ص ۲۷

یکنوع تمدن و فرهنگ اسلامی- ترکی خاص را شکل دادند.<sup>۱</sup> یکی از دلایل سرعت گسترش اسلام توسط تصوف در این مناطق، متساهل بودن آئین های متصوفه می باشد؛ بدان خاطر که بررسی تاریخچه تصوف در آسیای مرکزی و قفقاز، دال بر این است که تصوف در بدو ورود به منطقه، با بسیاری از مذاهب و سنت های مذهبی، از دین زرتشتی گرفته تا روح باوری شمینستی<sup>۲</sup> مواجه گشته و لذا تصوف با پذیرش آنها به عنوان تجلیات مختلف از یک حقیقت واحد، توانست احترام آنها را کسب نماید.<sup>۳</sup>

این نکته را نیز باید اضافه نمود که یکی از ویژگیهای طریقت های صوفی که موجب گسترش آن در میان مردم منطقه شد، این بود که مرشدها به عنوان معلم، طبیب، مشاور و... در تمام زوایای زندگی مردم رسوخ نموده و همچنین مقاومت تصوف در برابر مداخله خارجی نیز عامل دیگری جهت پذیرش آن نزد مردم بوده است.<sup>۴</sup> در این راستا باید خاطر نشان نمود که مقاومت های جهادی کبرویه و نقشبندیه در برابر حملات مغول، بوداییان (ایرْت ها و قلموقها)، روسها و سرانجام بلشویکها، از جمله اقدامات مهم تصوف در برابر دشمنان بوده است.

یکی از نکات جالب توجه در خصوص تاریخ تصوف آن است که تصوف در منطقه آسیای میانه و قفقاز ریشه ایرانی دارد؛ تصوف از خراسان، از سده سوم تا ششم بتدریج از طریق مشایخ بزرگ به شمال خراسان بزرگ (حوزه آسیای میانه فعلی) و ماوراء النهر راه یافت. از این دوره بخارا بعنوان مهمترین مرکز تصوف در ماوراء النهر بود، تا جایی که این شهر به «بخارای شریف» یا «قبه اسلام» در بلاد شرق معروف شده و تصوف ایرانی از این منطقه به هند، سین کیانگ چین، قفقاز

<sup>۱</sup> کاظم موسوی بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۵، تهران؛ مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۴۳۴.

<sup>۲</sup> shamanistic animism. نام یک رشته باورهای سنتی در برخی اقوام بومی منطقه است که پیروان آن به درمان بیماری و رنج از طریق تماس با ارواح و همچنین ایجاد بیماری و رنج معتقدند. این افراد بدان باورند که با روح خود می توانند به جهان های دیگر سفر نموده و با دیگر ارواح تماس گیرند تا میان جهان مادی و جهان روحانی توازن برقرار نمایند.

<sup>۳</sup> بی نا، بولتن ویژه، پیشین، ص ۲۸.

<sup>۴</sup> حسین مسعودنیا، «بنیادگرایی در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۱۷، ش ۶۴، زمستان ۸۷، ص ۲۹.

و داغستان راه یافت. همچنین در آسیای صغیر و آناتولی نیز زمینه ساز ظهور فرقه های بزرگی مانند بکتاشیه گشته و بتدریج سلسله های دیگری همچون نقشبندیه، قادریه، یسویه و کبرویه در این منطقه شکل گرفتند.<sup>۱</sup>

در سده های ۷ تا ۹ هـ ق / ۱۳ تا ۱۵ م، شاهد ظهور طریقت‌های عمده صوفی و چهره های بزرگ فکری در میان صوفیان در جهان اسلام هستیم که از جمله مهمترین آنها عبارتند از: عطار، نجم الدین رازی، شهاب الدین سهروردی، مولوی، شبستری، حافظ، عبدالکریم جیلی، علاء الدوله سمنانی، ابن فارض و ابن عربی.<sup>۲</sup>

در بررسی علت گسترش تصوف در این دوران، برخی از محققان یکی از علل اساسی آن را حمله مغولان دانسته اند؛ بدان خاطر که با تصرف آسیای مرکزی در سال ۶۱۶ هـ ق / ۱۲۱۹ م توسط مغولان و نابودی سازمانهای اجتماعی، این وضعیت زمینه ساز اهمیت بیش از پیش تصوف در عرصه سلوک فردی گشت و از آن پس تصوف در منطقه به صورت سازماندهی شده شکل گرفت<sup>۳</sup> و شیوخ تصوف به گسترش تصوف در مناطقی همچون قفقاز، نواحی ولگا، آناتولی، کردستان و هند پرداختند.<sup>۴</sup> در این راستا باید خاطر نشان کرد که آنها از دو عامل جهت ترویج اندیشه های متصوفانه بهره می گرفتند: سفر حج و بازرگانی؛ بسیاری از شیوخ متصوفه در سفرهای حج به تبلیغ تصوف پرداخته و با جلب افکار مسلمانان، آنها نیز پس از بازگشت به سرزمین خود، فرقه های متصوفه را در آنجا ایجاد می کردند. بعلاوه اینکه شیوخ متصوفه از سفرهای تجاری هم در گسترش اسلام بالخصوص تصوف بهره می گرفتند.<sup>۵</sup>

یکی از نکات اساسی که باید بدان توجه نمود، این است که چه عواملی باعث شکل گیری تصوف در این منطقه و گسترش آن از اینجا به سایر مناطق شده

<sup>۱</sup> غلامعلی حداد عادل، دانشنامه جهان اسلام، ج ۷، تهران؛ بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۳۹۸.

<sup>۲</sup> لئونارد لوپزن، میراث تصوف، ج ۱، ترجمه دکتر مجدالدین کیوای، تهران؛ نشر مرکز، ۱۳۸۴، ص ۶۵.

<sup>۳</sup> کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۴۳۷.

<sup>۴</sup> منیژه تراب زاده و دیگران، ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، صص ۱۶۴ - ۱۶۵.

<sup>۵</sup> الکساندر بینیگسن و اندرس و یمبوش، صوفیان و کمسیرها، ترجمه افسانه منفرد، تهران؛ دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۵۱.

است؟ پس از بررسی های لازم در این خصوص باید اظهار نمود که پیشینه فرهنگی، آداب شرقی، تفکر اسلامی و رویکرد به شهرنشینی، از یک سو شاید بهترین زمینه ها را برای رشد و گسترش طریقت های عرفانی در آسیای میانه و قفقاز (بخصوص دره فرغانه که اکنون بین ازبکستان، قزاقستان و تاجیکستان تقسیم شده و معروف به دژ اسلام می باشد) ایجاد نموده است و از سوی دیگر نیز اندیشه های عرفانی در بخش های حیات فرهنگی و معنوی مردم منطقه شامل میراث مکتوب (در شکل منظوم و منثور)، آداب و سنن، اعتقادات و باورها، طرز زیست، خانواده و رفتارهای اجتماعی، زیباشناسی و هنر، تأثیر عمیقی به جای گذاشته است. به عنوان مثال می توان گفت که ادبیات کلاسیک این سرزمینها، چه زبان ترکی و چه به زبان فارسی تاجیکی، مشحون از اندیشه ها و آراء عرفان اسلامی بوده<sup>۱</sup> و همه این عوامل با تأثیرگذاری بر مردم، یک وجه هویتی نزد مردم پیدا کرده است، تا آنجا که گرایش مردم به تصوف با تمام حملات و یورشهایی که توسط مغولان، بوداییان، روسیه تزاری و کمونیست ها طی سالیان طولانی از قرن ۷ هـ ق / ۱۳ م تا قرن ۲۰ م صورت گرفت، با این حال اسلام با رویکرد عرفان و تصوف در بین مردم منطقه زنده ماند.<sup>۲</sup>

پس از مرور اجمالی به مباحث تاریخی تصوف، در ادامه این بخش جهت شناخت بهتر فرقه های تصوف در این دوره تاریخی، به شکل مختصر به مهمترین فرقه های منطقه و ریشه تاریخی و نحوه گسترش آنها و همچنین ویژگی های کلی تصوف در این دوره می پردازیم.

**۱.۲. فرقه های مهم منطقه آسیای میانه، قفقاز و روسیه :** طبق بررسی های صورت گرفته در این خصوص باید بیان نمود که در منطقه مورد مطالعه می توان به شش فرقه یا طریقت مهم اشاره کرد که بعضی از آنها وارداتی بوده و بعضی دیگر در منطقه آسیای میانه و قفقاز تأسیس شده اند که در ادامه به توضیح آنها خواهیم پرداخت:

<sup>۱</sup> عباسعلی وفایی، سیمای فرهنگی ازبکستان، تهران؛ انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۸۴، صص ۱۱۱ -

۱۱۲

<sup>۲</sup> David Westerlund and Ingvar Svanberg, Islam Outside the Arab world, Richmond; Curzon, ۱۹۹۹, p۱۶۰

۱.۲.۱. **طریقت حکیمیه** : طریقت حکیمیه منسوب به « ابی عبدالله بن علی بن حسن بن بشر»، ملقب به « حکیم ترمذی » (متوفی ۲۸۵هـ/ق / ۸۹۴ م) از مردم شهر ترمذ<sup>۱</sup> می باشد. این طریقت از قرن ۳ ق تا ۷ ق تأثیر زیادی بر فرقه های مختلف داشته و بحث جهاد با نفس و ولایت از مهمترین مباحث این فرقه می باشد. این طریقت در مورد ولایت بدان باور است که مقام ولایت پیامبر از مقام نبوت و رسالتش برتر می باشد. البته نه اینکه ولایت غیر نبی و رسول از نبوت و رسالت نبی و رسول برتر باشد، یا ولی از نبی و رسول بالاتر باشد، زیرا با اینکه مرتبه ولایت جلیل و دارای درجه ای عظیم است، اما به هر حال مأخوذ از نبوت است.

حکیم الترمذی، شاگردانی چون ابوبکر وراق ترمذی و ابوعلی جوزجانی تربیت کرده که در توسعه مکتب او کمک بسیاری نموده اند. اما با گذشت زمان، با نفوذ طریقت خواجگان و نقشبندیه در سراسر ماوراءالنهر و خراسان، مکتب حکیمیه موقعیت خود را از دست داده و پیروان آن به ندرت یافت می شوند؛ اما با این حال مقبره حکیم ترمذی، در طول سالیان به زیارتگاه عارفان، صوفیان و مردم تبدیل شد.<sup>۲</sup>

۱.۲.۲. **طریقت خواجگان**: طریقت خواجگان منسوب به « خواجه عبدالخالق غجدوانی » شاگرد عارف معروف خواجه ابویوسف همدانی (۴۴۰ - ۵۳۵ هـ/ق / ۱۰۴۸ - ۱۱۴۰ م)، از طریقت های بنیادین تصوف در ماوراءالنهر و خراسان محسوب می شود. وی در قرن ۶ هـ/ق / ۱۱۰۳ م در منطقه غجدوان بخارا متولد شده و تحصیلاتش را در نزد امام صدرالدین و بعدها شیخ یوسف همدانی ادامه داد. غجدوانی با تربیت شاگردانی چون خواجه احمد انداکی، خواجه اولیای کبیر، خواجه سلیمان کرمنه و خواجه عارف ریوگری، طریقت خواجگان را پایه گذاری کرد که بعدها از سوی شاگردان و پیروانش کمال یافت و عاقبت به شکل نقشبندیه درآمد.

<sup>۱</sup> ترمذ شهرستانی است در کنار رودخانه آمو که در جنوبی ترین قسمت ازبکستان واقع شده و مرکز استان سرخان دریا می باشد. این شهر، حد فاصل ازبکستان و افغانستان است.

<sup>۲</sup> عباسعلی وفايي، پیشین، صص ۱۲۰ - ۱۲۱



یکی از آثار ماندگار خواجه عبدالخالق غجدوانی، انتشار عرفان ایرانی در سراسر منطقه ماوراء النهر بود که به تدریج اصطلاحات عرفانی، دروس و آداب طریقت نیز به زبان فارسی در این سرزمین رایج شد.<sup>۱</sup>

۱. ۲. ۳. **طریقت یسویه:** مؤسس این طریقت، «خواجه احمدی یسوی» است که فریدالدین عطار در منطق الطیر از او به عنوان پیر ترکستان یاد کرده است.<sup>۲</sup> وی در حدود سال ۴۳۲ هـ ق / ۱۰۴۱ م در شهر سیرم واقع در قسمت جنوبی جمهوری قزاقستان کنونی (که شامل اسبیبجاب، ترکستان، چیمکنت، ارون کنت و سریام می باشد) متولد شد. پدر و پدربزرگش ارسلان بابا از صوفیه بودند. خواجه بعدها به شاگردی شیخ یوسف همدانی در بخارا درآمد. خواجه احمد بعد از اینکه رسماً به عنوان یکی از چهار جانشین شیخ یوسف همدانی معرفی شد، به یسه برگشت و طریقت یسویه را میان قزاق ها و قرقیزهای استپ نشین بنا نهاد. درویشان حلقه خواجه احمد، تعلیمات استاد را در تمام منطقه ترکستان و تا اقصی نقاط ولگه، قفقاز و آسیای صغیر گسترش دادند. یسویه با الهام از زبان و فرهنگ منطقه، حیطة نفوذ خود را تا آناتولی و بلغار نیز گسترش داد.<sup>۳</sup> یکی از مهمترین نکات اندیشه و طریقت یسوی، امتزاجی بودن آن می باشد؛ بدین صورت که میان یک نوع فرهنگ برگرفته از تصوف ایرانی و زبان و شیوه ای که در میان اقوام ترک کاربرد داشت، ترکیب صورت گرفت.

همچنین از ویژگی های حکمتهای یسوی این است که از دو عنصر اساسی تشکیل می شوند؛ ابتدا اسلام یعنی عنصر دینی با رویکرد صوفیانه و دوم عنصر ملی یعنی ادبیات عامیانه باستانی ترک ها.<sup>۴</sup> به همین خاطر است که این طریقت در میان مردم منطقه با استقبال خوبی مواجه شد. در همین راستا مقبره خواجه احمد یسوی زیارتگاه مشتاقانی بوده است که با حاجات و نذورات راهی ترکستان

<sup>۱</sup> همان

<sup>۲</sup> مهدی سنایی، «طریقت یسویه و نقش آن در گسترش اسلام در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۶، ش ۱۹، پاییز ۷۶، ص ۷۹.

<sup>۳</sup> مهدی سنایی، ره آورد ماوراء النهر، تهران؛ انتشارات الهدی، ۱۳۷۸، صص ۱۲۷ - ۱۲۸

<sup>۴</sup> مهدی سنایی، «طریقت یسویه و نقش آن در گسترش اسلام در آسیای مرکزی»، پیشین، صص ۸۷-

شده و مراسم خاصی، به ویژه در فصل زمستان در گرد مقبره او برگزار می نمایند. مردم منطقه سه بار زیارت خواجه احمد را معادل یک سفر حج دانسته و به همین دلیل زوار با اشتیاق فراوان و نذر و نیاز عازم ترکستان گشته و پس از بازگشت، سایرین همچون زائران خانه خدا از آنان پذیرایی به عمل می آورند.<sup>۱</sup> در آخر باید خاطر نشان کرد که طریقت یسویه در قزاقستان نقش مهمی را ایفا نموده و در خودشناسی ملی و اسلامی و منفک شدن از روسها و اقوام دیگر منطقه و طریقت‌های دیگر اهمیت زیادی داشت.<sup>۲</sup> ذکر این نکته ضروری است که بعد از ظهور نقشبندیه و گسترش آن در قرن ۸ هـ ق / ۱۵ م، رشد یسویه در آسیای میانه متوقف شد و گرچه این طریقت نسبت به قبل، دیگر فرقه بزرگی محسوب نمی شد؛ اما این فرقه در گسترش اسلام در استپ نشینهای قزاقستان و قرقیزستان، نقش داشته است.<sup>۳</sup>

۱. ۲. ۴. **طریقت کبراویه یا کبرویه:** مؤسس این سلسله «احمد بن عمر الخیوقی الخوارزمی» مکنی به ابوالجباب و ملقب به «نجم الدین کبری» است که در جهان اسلام با نام «شیخ ولی تراش» مشهور شده است. وی در سال ۵۴۰ هـ ق / ۱۱۴۵-۱۱۴۶ م، در خیوه یکی از شهرهای خوارزم به دنیا آمد و پس از شاگردی نزد اساتیدی مانند «بابا فرج تبریزی»، «شیخ اسماعیل قصری»، «شیخ عمار یاسربدلیسی»، «شیخ ابوالنجیب سهروردی» و «شیخ روزبهان کازرونی مصری» به ارشاد مردم خوارزم پرداخت. تعالیم عرفانی وی شامل اعمالی می شد که مهمترین آنها عبارتند از: توبه، زهد، توکل، قناعت، عزلت، ذکر، توجه، صبر، مراقبه و رضا.<sup>۴</sup> مرجع اصلی تفکر دینی نزد این طریقت قرآن و حدیث بوده و به برگزاری نماز در مساجد، رعایت سادگی، تقوا و زیارت اماکن مقدسه پای بند می باشند.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> همان، صص ۸۸ - ۹۰

<sup>۲</sup> غلامرضا گلی زواره، پیشین، ص ۱۵۶.

<sup>۳</sup> مهدی سنایی، پیشین، ص ۹۲.

<sup>۴</sup> عباسعلی وفایی، پیشین، صص ۱۲۸ - ۱۳۳.

<sup>۵</sup> محمد جواد امیدوارنیا، «طریقت کبرویه در چین»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۹، ش

۳۰، تابستان ۷۹، ص ۱۹۴.

نجم الدین کبری در زمان حمله مغول به خوارزم در سال ۶۱۸ هـ.ق، به همراه مردم به دفاع از شهر پرداخته و توسط مغولان کشته شد. اما با این حال خوارزم مرکز کبرویه باقی مانده<sup>۱</sup> و در عهد خوارزمشاهیان و ایلخانیان، کبرویه توسط شاگردان وی، از خراسان و ماوراء النهر تا شام و آسیای صغیر گسترش یافت.<sup>۲</sup> اما کبرویه و تصوف خوارزم پس از نجم الدین کبری به دو شاخه تقسیم شد: یک شاخه توسط «سیف الدین باخرزی» که ساکن بخارا بود، در ماوراء النهر و بعدها در ایران گسترش یافت و شاخه دیگر نیز توسط شاگرد دیگر نجم الدین کبری، «بابا کمل جندی» در جند تأسیس شده و تا قرن ۹ هـ.ق / ۱۵م فعال بود. پس از این تاریخ، کبرویه توسط سید محمد نوربخش و سید عبدالله برزش آبادی به دو شاخه اصلی نوربخشیه و ذهبیه تقسیم شد. نوربخشیان بیشتر در شرق ماوراء النهر و ذهبیان بیشتر در خوارزم و ایبورد حضور داشته و بعد از غلبه فرقه نقشبندیه در قرن ۸ هـ.ق / ۱۴م در منطقه، این فرقه ها با ترک آسیای مرکزی، در ایران مستقر شدند.<sup>۳</sup>

۱. ۲. ۵. **طریقت قادریه:** این فرقه را «عبدالقادر گیلانی» (متوفی ۵۶۱ هـ.ق) در سده ششم هجری در بغداد بنیانگذاری کرد. هر چند محل شکوفایی قادریه بغداد است؛ اما از قرن ۶ هـ.ق / ۱۲م این طریقت توسط حجاج بلغاری و بازرگانان عرب به ولگا و ترکستان و به ویژه به دره فرغانه راه یافت. گر چه در سده های ۶ - ۸ هـ.ق / ۱۲ - ۱۴م، طریقت یسویه، قادریه را در خود مستحیل نمود و همچنین در قرون ۸ - ۹ هـ.ق / ۱۴ - ۱۵م، نقشبندیه باعث از رونق افتادن قادریه در این منطقه شد؛ اما با این حال قادریه هنوز در دره فرغانه باقی ماند.<sup>۴</sup>

قادریه در سده های بعدی در قفقاز مخصوصاً چچن و اینگوش مسلط شد و با توجه به نام مبلغ این فرقه که معروف به «کونتاحاجی کشیف» بود، این طریقت نیز به طریقت «کونتاحاجی» نامیده شد. قادریه یا همان طریقت کونتاحاجی

<sup>۱</sup> غلامعلی حداد عادل، پیشین، ص ۴۰۲

<sup>۲</sup> عبدالحسین زرین کوب، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران؛ امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۸۱.

<sup>۳</sup> کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۴۳۷.

<sup>۴</sup> الکساندر بنیگسن و اندرس و یمیوش، پیشین، ص ۲۲.

بعدها به پنج شاخه تقسیم شد:

الف) شاخه کونتاجی اصلی در چچن و نواحی کوهستانی داغستان. ب) ورد بامت گرای در دهکده کوهستانی اوتورا در اینگوش به رهبری خانواده میتایف. ج) ورد بتل حاجی بلهورف در دهکده های کوهستانی سرحجی، یاندرکا و اگاژو در ناحیه نزران. د) ورد چیم میرزا یا طبالان در دهکده کوهستانی میرتوپ در شمال چچن. ه) ویس حاجی که انشعابی از چیم میرزا است که در دوره تبعید چچنها زمان استالین ایجاد شد و در چچن و اینگوش، داغستان، اوستیا، کابارده، آذربایجان و قزاقستان پراکنده اند.<sup>۱</sup>

از ویژگی های طریقت های قادریه این است که آنها با برخورداری از سازمانهای متمرکز و با نظم و انضباط محکم، به شیخ خود وفادار بوده و فرقه ها نیز به یکدیگر وابسته هستند، لذا این ساختار باعث مقاومت در مقابل دشمنان در ادوار مختلف شده است.<sup>۲</sup>

۱. ۲. ۶. طریقت نقشبندیه: مؤسس این طریقت «محمد بن بهاء الدین النقشبند البخاری» می باشد که این طریقت را در قرن ۸ هـ ق / ۱۴م پایه گذاری نمود. جد ایشان از مریدان و پیروان خواجه محمد بابای سماسی، شیخ صوفیان طریقت خواجهان بوده است. خواجه بهاء الدین، در ادامه طریقت خواجه یوسف همدانی و خواجه عبدالخالق غجدوانی تعلیماتی را به وجود آورد و بعضی شرایط سخت طریقت را به حد اعتدال نزدیک کرد و سیر الی الله را نه به عبادت باطن، بلکه به طهارت باطن و صفای قلب که توسط ذکر خفی میسر می شود، اختصاص داد.<sup>۳</sup>

نقشبندیان با پای بندی به شریعت، برای وصول به مرحله طریقت و حقیقت و معرفت استفاده نموده و از مهمترین ویژگیهای آنها، احترام به شیوخ و زیارت قبور آنها، گرد آمدن در اطراف مساجد، خانقاهها و مزارها به عنوان مراکز تجمع سیاسی- عبادی، برخورداری از جهان بینی عملی، فعال بودن از نظر سیاسی،

<sup>۱</sup> David westerland and ingvar sranberg, (eds). pp ۴۰۹- ۴۱۰.

<sup>۲</sup> غلامعلی حداد عادل، پیشین، صص ۴۰۲ - ۴۰۳

<sup>۳</sup> عباسعلی وفاپی، پیشین، صص ۱۲۸ - ۱۳۲

ایستادگی در برابر بی عدالتی و ظلم و جور، تلاش در جهت تغییر دیدگاه‌های جامعه و سازماندهی نهضتها و حرکت‌های قدرتمند برای تغییر نظام اجتماعی و سیاسی می باشد.<sup>۱</sup> آنها در برخی از دوره های تاریخی از جمله عصر تیموریان، رابطه خوبی با حکومت داشتند که این تعامل و کسب وجهه نزد مردم باعث شد تا بعد از افول تیموریان، حکومت‌های بعدی نیز برای کسب مشروعیت مجبور شوند رابطه خود را با نقشبندیان حفظ کنند.<sup>۲</sup>

با گسترش نفوذ این طریقت، آنها در قرون بعدی از جاده های بازرگانی شرق و غرب که موسوم به «راه ابریشم» بود، به شهرها و مناطق مختلف نفوذ کرده<sup>۳</sup> و بتدریج نقشبندیه در سده های ۹ - ۱۰ هـ ق / ۱۵ - ۱۶م از ناحیه بخارا به منطقه ولگای میانه راه پیدا کرد و به آرامی پیروان طریقت‌های یسویه و قادریه را در خود جذب نمود. این فرقه در سده های بعدی از طریق کردستان و شیروان به داغستان نفوذ نموده و همچنین در ناحیه چچن، غرب و میانه قفقاز نیز پیروان بسیاری پیدا کرد.<sup>۴</sup> آنها همچنین در رواج اسلام بین قرقیزها نقش مهمی ایفا نموده و هم اکنون نیز میان قرقیزها بویژه در میان روستاییان نفوذ زیادی دارند.<sup>۵</sup>

نقشبندیه در منطقه قفقاز بتدریج توانست بر سایر طریقت های تصوف برتری یافته و اندیشمندان بر آن باور هستند که برتری این طریقت در برابر سایر فرقه ها مرهون عواملی است که مهمترین آنها عبارتند از: الف) نقشبندیان ویژگی دوگانه ای داشته که همزمان نخبه گرا و مردم گرا بوده و از هر دو گروه مرید دارند. ب) آنها توانایی بی نظیری در تطبیق با شرایط سیاسی و اجتماعی متغییر دارند. ج) نقشبندیان به خاطر رهبری در جهاد علیه مخالفان اسلام در

<sup>۱</sup> محمد جواد امیدوارنیا، «نقشبندیه و نقش آن در حوزه آسیای مرکزی چین»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۳، ش ۶، پاییز ۱۳۷۳، ص ۳۰.

<sup>۲</sup> خدیجه زغیمی، «تصوف در آسیای میانه، قدرت میانه رو یا مهره سیاسی؟»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه ای، پیش شماره ۱، زمستان ۱۳۸۷، ص ۵۷.

<sup>۳</sup> محمد جواد امیدوارنیا، پیشین، ص ۲۷.

<sup>۴</sup> کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، ۴۳۵.

<sup>۵</sup> نسرین احمدیان شالچی، پیشین، ص ۲۸۷.

ترکستان، قفقاز و... در ادوار مختلف، اعتبار زیادی کسب کردند. د) نقشبندیه یک طریقت تمرکز زداست و اتحاد خود را تنها از طریق مجموعه ای از اهداف و مناسک ساده حفظ می کند. ه) نقشبندیه در طول تاریخ خود با پرهیز از تعصب و افراط گرایی نسبت به سایر فرقه ها، با تسامح و تساهل برخورد نموده و به همین دلیل افراد فرقه های دیگر را در خود جذب کرده است.<sup>۱</sup>

۱. ۳. ویژگی کلی فرقه های تصوف در منطقه آسیای میانه، قفقاز و روسیه: در این بخش جهت آشنایی با کلیت تصوف در منطقه و فعالیتهای آنها به چند ویژگی کلی طریقتها می پردازیم:

۱. ۳. ۱. حلقه های صوفی: به طور کلی حلقه های صوفیانه را می توان به دو گروه سازمان یافته حلقه متمرکز و غیر متمرکز تقسیم نمود. ویژگی تعیین کننده و اصلی حلقه متمرکز، وجود رهبری یگانه بعنوان مرشد، پیر، شیخ یا بابا است که می توان او را با سلطانی مقایسه کرد که دستورات بی چون و چرای وی از طریق سلسله مراتب پیچیده هیأت رئیسه ای که خود آنان را برگزیده است، منتقل می شود. این ساختار به این حلقه ها اجازه فعالیت مخفی را داده و معمولاً رهبری این حلقه در میان اعضای خانواده مؤسس باقی می ماند. طریقتهایی همچون قادریه شمال قفقاز و ایشانهای پشمالو و لاجیها که گروههای جدیدی از یسویه در آسیای مرکزی می باشند، از جمله فرقه هایی هستند که حلقه های متمرکز دارند.

از ویژگی های حلقه متمرکز این است که فرقه ها در این نوع سازماندهی، در قالب سلسله مراتب محکمتر و انضباط قویتر تجهیز می گردند که در نتیجه با این نوع ساختار بهتر می توان در مقابل فشارهای استعمار و مخالفان ایستادگی کرد و از جمله این وضعیت می توان به مقاومت گروههای صوفی در برابر روسیه تزاری و شوروی اشاره نمود.

در مقابل حلقه متمرکز، حلقه های غیر متمرکز قرار دارد که تمام گروههای نقشبندیان در آسیای مرکزی و قفقاز به این دسته تعلق دارند. در این نوع سازماندهی، یک مرکز یا رهبری واحد وجود نداشته و همچنین رهبری در آن به

<sup>۱</sup> الکساندر بنیگسن و اندرس و یمبوش، پیشین، ص ۲۰.

لحاظ نظری موروثی نمی باشد؛ بلکه رهبران در یک فرایند تقریباً آزاد با توافق کلی هواداران و شیوخ آنها انتخاب شده و ایجاد وحدت در طریقت، بر اساس یک جهان بینی عقیدتی و روانشناختی مشترک پدید می آید. لذا چنین ساختاری گر چه کار مخفی سازماندهی شده را کمتر می تواند انجام دهد؛ ولی در عین حال به خاطر عدم وجود یک ساختار غیرمنعطف، به راحتی از بین نرفته و همچنین در جوامع توتالیتر نیز براحتی می تواند در کمال اختفاء فعالیت نماید. نمونه آن در مقاومت طریقت نقشبندیه در سالیان حکومت تزاری و شوروی در آسیای مرکزی و قفقاز می باشد.<sup>۱</sup>

۱. ۳. ۲. **زکات عامل استقلال مالی:** یکی از ویژگی های اساسی طریقت های صوفیه، پرداخت زکات است که این عامل باعث نوعی استقلال مالی در طریقت ها شده و بر همین مبنا هیچگاه طریقت ها وابسته به دولت یا نهادهای دیگر نگشته و به راحتی در جوامع ضد اسلامی منطقه به فعالیت می پرداختند.<sup>۲</sup>

۱. ۳. ۳. **جهاد:** در سده های اخیر، نفوذ فرهنگی غرب که معمولاً مقدمه نفوذ سیاسی و اجرای برنامه های استعماری آن بوده است، رهبران دینی و از جمله مشایخ صوفی را به چاره جویی برانگیخته و در بعضی کشورهای استعمارزده مانند کشورهای آسیای میانه و قفقاز، مشایخ صوفی پیشاهنگ جنبش های ضد استعماری بوده اند. اضافه شدن بُعد سیاسی به ابعاد برنامه های طریقت های صوفی، عامل تشکل بیشتر آنها و ورودشان به عرصه های سیاسی و نظامی گردید. در این راستا انگیزه های سیاسی- اجتماعی و مبارزات ضد استعماری باعث شد که بعضی از رهبران طریقتها پیروان خود را تشویق کنند تا از کنج عزلت و گوشه نشینی بیرون آمده و فکر تسلیم و رضای محض را کنار گذارند و به میدان جهاد با متجاوزان غیر مسلمان قدم گذارند. در مقابل آنها، استعمار غرب نیز در پی آن بود که یا طریقت های صوفی را با حيله و ترفند با خود همراه ساخته و یا در صورت عدم توفیق، آنها را نابود نماید.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> همان، صص ۹۸ - ۱۰۲

<sup>۲</sup> همان، صص ۱۰۷ - ۱۰۸

<sup>۳</sup> الیزابت سرّیه، صوفیان و ضد صوفیان، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران؛ نشر مرکز، ۱۳۸۱، ص ۵.

در روند تاریخ در خصوص بحث جهاد صوفیان باید خاطر نشان کرد که در منطقه آسیای میانه و قفقاز، از جمله دوران مغول به بعد، صوفیان با تمام قوای خود با رهبری شیوخ خود علیه دشمنان ایستادگی کرده اند؛ نمونه بارز آن کشته شدن «نجم الدین کبری» مؤسس سلسله کبرویه در مقاومت علیه مغولان بود. در ادامه روند ایستادگی و جهاد علیه کفار، بعدها صوفیان در مقابل اقوام بودایی به مقاومت پرداخته و در سده های اخیر نیز در مقابل روسیه تزاری و بعدها کمونیست ها ایستادگی نمودند که در بخشهای بعدی به توضیح آن خواهیم پرداخت.

۱. ۳. ۴. ذکر: ذکر از جمله آداب اصلی طریقت های تصوف می باشد که شامل اعمالی همچون خواندن آیاتی از قرآن مجید، ادای عبارات ثابتی در ذهن یا با آوای بلند و منظم همراه با یک فن پیچیده قرار گرفتن بدن، کنترل تنفس که در پاره ای موارد با حرکات منظم و... که در برخی موارد در میان متصوفه، با آواز و رقص و حتی آلات موسیقی هم همراه می گردد.

نکته قابل اهمیت در مبحث ذکر این است که گاهی طبق شرایط خاص اجتماعی- سیاسی، ذکر تکامل یافته و بتدریج جنبه سیاسی یا تمایلات ملی گرایانه پیدا می نماید. لذا ذکر به عنوان یک سنت اسلامی در میان تصوف، به نوعی در حفظ هویت ملی مردم منطقه تأثیرگذار بوده است.<sup>۱</sup>

۱. ۳. ۵. زیارت: یکی از اعمال رایج میان صوفیان، زیارت می باشد. زیارت در حقیقت امری ایمانی است که ناشی از تقوای فردی و جمعی بوده و نسبت به سایر اعمال صوفیان، نمود بیشتری دارد که در آن نه تنها پیروان صوفی؛ بلکه هر مؤمنی (اعم از زنان، کودکان، روستائیان و کوچ نشینان، روشنفکران و کارگران شهری) و حتی غیر مؤمنان نیز در آن شرکت می کنند. زیارتگاههای متصوفه مکانی مهم برای صوفیان تلقی می گردد؛ بدان خاطر که موقعیت مناسبی برای ایجاد ارتباط رهبران صوفی با مردم می باشد که در آن به ترویج افکار خود می پردازند. گر چه مکانهایی همچون خانقاه در ترویج افکار صوفیانه تأثیرگذار است؛ ولی در نظامهایی که وجود خانقاه و یا هر گونه تجمع گروههای صوفی ممنوع

<sup>۱</sup> الکساندر بنیگسن و اندرس و یمبوش، پیشین، ص ۱۰۸.



می باشد، زیارتگاهها اهمیت دو چندان می یابد؛ به عنوان مثال در شوروی سابق، زیارتگاهها نقش خانقاه، مدرسه و محل تجمعات را ایفا نموده و در قرون ۱۸ و ۱۹م، پیروان طریقت بیشتر زیارتگاهها را در شمال قفقاز و آسیای مرکزی به تملک خود درآورده و زیارتگاه را جایگزین خانقاه کرده اند و حتی مکتب خانه وابسته به مزار یا زیارتگاه، به عنوان محل انجام ذکر مورد استفاده قرار می گیرد.<sup>۱</sup>

۱. ۳. ۶. حضور زنان در طریقتهای صوفی: نکته قابل توجه در این خصوص آن است که تا جنگ جهانی دوم، طریقتهای صوفی منحصر به مردان بود؛ اما پس از جنگ دوم جهانی در مناطقی همچون شمال قفقاز و آسیای مرکزی، تعدادی از طریقتها با ایجاد گروههای خاص برای خدمت به زنان به رهبری شیوخ زن موافقت نمودند که در گروه هایی همچون نقشبندیه و قادریه می توان فعالیت زنان صوفی را در قالب مراسم ذکر و... مشاهده کرد.<sup>۲</sup>

۱. ۳. ۷. کاربرد زبان فارسی در طریقتها: بسیاری از طریقت های تصوف در منطقه آسیای میانه، قفقاز و روسیه ریشه ایرانی داشتند. از جمله آنها طریقت خواجهگان می باشد که ریشه کاملاً ایرانی داشت. همچنین سلسله یسویه نیز ریشه های ایرانی داشت. در روند تاریخ تصوف، نقشبندیه هم ادامه سلسله خواجهگان است که از ریشه ایرانی برخوردار بوده است.<sup>۳</sup> لذا برخورداری طریقتهای مهم تصوف منطقه از ریشه ایرانی، موجب اهمیت زبان فارسی در ادبیات کلاسیک این فرقه ها گشته و به طور کلی از نگاه کارشناسان، زبان فارسی و آفرینش های پر بار خردمندان و شعرای پارسی زبان، باعث گسترش اسلام و تصوف در مناطق مذکور شده است و شعر صوفیانه فارسی از جمله غنی ترین سروده های عرفانی در میان صوفیان کل دنیا محسوب می گردد. لذا به نظر می رسد که بهره گیری از اشعار عرفانی شیعی در قالب زبان فارسی، می تواند راهکار بسیار مناسبی جهت ترویج افکار شیعی در میان صوفیان منطقه باشد.<sup>۴</sup>

## ۲. ( دوره دوم ) دوره جهاد علیه روسیه تزاری و کمونیست های شوروی

<sup>۱</sup> همان، ص ۱۲۴.

<sup>۲</sup> همان، ص ۹۱.

<sup>۳</sup> غلامعلی حداد عادل، پیشین، ص ۴۰۱.

<sup>۴</sup> لئونارد لویزن، پیشین، صص ۴۰ - ۴۱.

## تا آغاز دوره گورباچف :

تفاوت این دوره با دوره قبل این است که در این دوره مناطق مسلمان نشین ابتدا تحت سلطه یک حکومت مسیحی و بعدها در دوران شوروی زیر سلطه حکومت ضد دینی قرار گرفته و به نوعی اسلام و مسلمانان تحت فشار مخالفان اسلام قرار گرفتند. مسلمانان بالخصوص صوفیان در مقابل این فشارها، در طی قرن ۱۶ میلادی تا دهه ۸۰ قرن ۲۰ میلادی، به اشکال مختلف به مقاومت علیه دشمنان پرداختند که شکل گیری قیامها و اعلان جهاد از طرف شیوخ و مقاومت درونی با حفظ اسلام و ارزشهای اسلامی درون گروهی تصوف، از جمله شیوه های مقاومت در این سالهای سیاه می باشد. لذا جهت شناخت بیشتر این وضعیت، ابتدا به اقدامات مخالفان اسلام در این دوره پرداخته و در ادامه نیز به بررسی نحوه مقاومت تصوف در برابر روسها و کمونیست ها می پردازیم.

۲.۱. مبارزه متجاوزان علیه اسلام : آغاز دوره دوم در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز با هجوم روسها به منطقه آغاز می شود. مناطق مسلمان نشین برای نخستین بار در اواسط قرن ۱۶ میلادی، پس از سقوط غازان و آستراخان در سال ۱۵۵۲م بدست ایوان مخوف به تصرف حکومت روسیه تزاری درآمدند.<sup>۱</sup> به طور کلی دوره سلطه روسها بر مسلمانان منطقه را که از قرن ۱۶ میلادی تا فروپاشی شوروی در دهه ۱۹۹۰ میلادی شامل می گردد را می توان به چهار دوره کلی تقسیم کرد:

۲.۱.۱. دوره ایوان مخوف در قرن ۱۶ میلادی : در این دوره روسها گامهای اول را برای فتح مناطق مسلمان نشین برداشته و مناطقی مانند غازان و آستراخان را تحت سلطه خود درآوردند. البته در عین حال در این دوران، نوعی تساهل دینی نسبت به مسلمانان اجرا می شد که به نوعی طنز تاریخ است.

۲.۱.۲. قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی : در این دوران فاتحان روس با سختگیری بسیار به مبارزه با مسلمانان و اسلام می پرداختند. به عنوان نمونه، از سال ۱۷۳۸م تا سال ۱۷۵۵م، از ۵۳۶ مسجد در غازان، آنها ۴۱۷ مسجد را از بین بردند. به طور

<sup>۱</sup> خلیل روشندل و رافیک قلی پور، سیاست و حکومت در ترکمنستان، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸، ص ۴۷.

کلی از سده های ۱۷ و ۱۸م به بعد در این منطقه، زمان سقوط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اسلام به شمار آمده و عموماً آن را عصر تاریکی برای مسلمانان تلقی می کنند.<sup>۱</sup>

۲. ۱. ۳. دوره اشغال سرزمین های اسلامی : در این دوره روسها با گسترش امپراتوری روسیه تزاری تا مرزهای فعلی ایران، به اجحاف در حق مسلمانان منطقه ادامه می دادند. گسترش مرزها تا جایی ادامه یافت که در ۱۸۹۰م، روسیه بر کل آسیای مرکزی و قفقاز تسلط یافت. در این زمان امپراتوری روسیه از هلند در غرب تا اقیانوس آرام در شرق و از دریای سیاه، ترکیه، ایران و افغانستان در جنوب گسترده شده بود.<sup>۲</sup> این سرزمینها تا انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ تماماً زیر مجموعه امپراتوری روسیه محسوب می گشت.

۲. ۱. ۴. از انقلاب اکتبر : این دوره از انقلاب سال ۱۹۱۷ شروع شده و مناطق اشغال شده توسط روسیه تزاری به اتحادیه شوروی انتقال یافت. در این دوران، مرحله جدیدی برای مناطق مسلمان نشین آغاز می شود. در این دوران که از لحاظ زمانی، تا حکومت گورباچف و اصلاحات اجتماعی وی ادامه دارد، نوعی مبارزه سختگیرانه با اسلام در مناطق مسلمان نشین پیگیری می شود که در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت.<sup>۳</sup>

از قرن ۱۶م به بعد، در امپراتوری روسیه و همچنین اتحاد جماهیر شوروی، حکومت با نابودی مسلمانان، به ایجاد نهادهای رسمی اسلامی مبادرت ورزید تا از این طریق روحانیون و مسلمانان را تحت کنترل قرار دهد. در این راستا، برای اولین بار در سال ۱۷۸۲ در دوران حکومت کاترین دوم، نهادی به نام «مجمع دینی قوانین محمدی» در شهر اوفای تأسیس شد که در گام بعدی نیز در سال ۱۷۸۸، «مجلس روحانی مسلمانان» در این شهر تأسیس شد که این مرکز همچنان تا امروز به فعالیت خود ادامه می دهد.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> الیزابت سرّیه، پیشین، ص ۱۵.

<sup>۲</sup> David Westerland and Ingvar Svanberg, (eds), p ۱۵۳.

<sup>۳</sup> خلیل روشندل و راهیک قلی پور، پیشین، ص ۴۷.

<sup>۴</sup> بی نا، «گزارش: جوامع مسلمان و سازمانهای اسلامی فدراسیون روسیه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۱۶، ش ۵۹، پاییز ۱۳۸۶، صص ۲۰۱ - ۲۰۸.

در دوره کمونیستی هم تشکیل نهادهای رسمی اسلامی تحت نظارت دولت، یکی از سیاست‌های اصلی آنها در مقابله با مسلمانان بود. جدیت این قدرت شرقی در مقابله با اسلام تا حدی جدی بود که در این راستا چهار مرکز اسلامی را ساماندهی نمود: بخش اروپایی روسیه و سیبری که مقر آن در اوفلا مرکز باشقیرستان بوده و از زمان روسیه تزاری تاکنون به کارش ادامه می‌دهد، بخش قفقاز شمالی و داغستان که مقر آن در یونیاکسک (ماخاچ قلعه) داغستان بود، در باکو که امور اسلامی شیعیان تمام اتحاد شوروی و سنی‌های ماوراء قفقاز را زیر نظر داشت و در نهایت بخش آسیای مرکزی و قزاقستان که در تاشکند، مرکز ازبکستان مستقر گشت.<sup>۱</sup>

فعالیت نهادهای مذکور در شرایطی بود که با استناد به ماده ۱۲۸ قانون اساسی اتحاد شوروی، آموزشهای مذهبی در مدارس ممنوع بوده و دولت شوروی نیز بر اساس آموزه‌های مارکسیستی، نابودی اسلام را با طراحی و اجرای اصلاحات در نظام آموزشی، زبان و الفبا، هنر و تبلیغات مذهبی به طور جدی پیگیری می‌کرد.<sup>۲</sup> علاوه بر اینکه این وضعیت با شدت بیشتر در ماده ۱۲۴ قانون اساسی سال ۱۹۳۶ اتحاد شوروی گنجانده شده و بر مبنای آن به فعالیت‌های ضد دینی تصریح شده بود. در واقع مفهوم عملی این ماده از قانون اساسی، جنگ دائمی با مذاهب مختلف قلمداد می‌گشت که یکی از هدفهای اصلی آن نابودی اسلام بود.<sup>۳</sup>

عطف به این قانون، دولت کمونیست برای مبارزه با اسلام، از راهکارهای مختلفی در عرصه دینی بهره می‌گرفت که از جمله آنها عبارتند از: نایاب بودن قرآن کریم به دلیل چاپ بسیار کم آن، عدم دسترسی به احادیث و دستیابی به آنها (تنها در صورتی احادیث در دسترس بود که فرد یک نسخه از آنها را در حیاط خلوت دفن کرده بود)، تعطیلی مدارس مذهبی اصیل و ایجاد دو مدرسه

<sup>۱</sup> علی کنانی، اقلیتهای مسلمان در جهان امروز، ترجمه محمد حسین آریا، تهران؛ امیرکبیر، ۱۳۸۳، صص ۱۳۰ - ۱۳۱

<sup>۲</sup> الهه کولایی، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، صص ۱۲۸.

<sup>۳</sup> علی کنانی، پیشین، صص ۱۳۰ - ۱۳۱

دولتی با دروس تحریف شده در سال ۱۹۵۲ و...<sup>۱</sup> در عرصه جامعه نیز در راستای مبارزه با اسلام، در دوران حکومت استالین کشتارها و تبعیدهای فردی و گروهی و قومی زیادی صورت گرفت که نمونه بارز آن تبعید یک میلیون مسلمان توسط کمونیستها از شمال قفقاز به قزاقستان بود که بسیاری از این افراد را متصوفه تشکیل می دادند.

این اقدامات ایدئائی توسط دولت کمونیست، بعد جنگ جهانی دوم بویژه در دوره حکومت خورشچف ادامه یافت و دولتمردان در مبارزه با مسلمانان و همچنین صوفیان، آنها را به اعمالی همچون راهزنی، تروریسم و شورش متهم<sup>۲</sup> و برای مقابله با اقدامات جعلی، انهدام مزارها و زیارتگاهها و یا بستن آنها مبادرت می نمودند؛ تا جایی که در اثر اقدامات فوق، از ۲۶ هزار مسجد و ۴۵ هزار روحانی در زمان انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، تنها ۴۱۵ مسجد و ۲ هزار روحانی در سال ۱۹۹۰ باقی مانده بود.<sup>۳</sup>

در مقابل این فشارها و اسلام رسمی که دولت کمونیست شوروی حامی آن بود، بسیاری از مسلمانان از جمله صوفیان سعی در احیای اسلام داشتند. این نوع اسلام که به «اسلام غیر رسمی یا موازی» معروف شد، شامل اقدامات و حرکاتی از سوی مسلمانان بالخصوص تصوف می گشت که عبارتند از: ایجاد روحیات مذهبی خودجوش در میان مردم، انجام فعالیت توسط روحانیونی که از نظر مراکز مذهبی رسمیت نداشتند، حفظ ارتباط و علقه با مقدسات اسلام و حفظ اسلام در چارچوب سنن و آداب قومی. در این راستا باید خاطر نشان کرد که طریقت های عرفانی و تصوف، از جمله مهمترین چارچوب های تداوم سنن و حفظ اصل دین در میان مردم منطقه بوده و به صورت غیر رسمی شیوه زندگی اجتماعی، بخصوص در مناطق دور از شهرهای بزرگ را شکل می داد.<sup>۴</sup>

## ۲.۲. مقاومت مسلمانان با رویکرد تصوف در مقابل روسها و کمونیست

<sup>۱</sup> بی نا، بولتن ویژه، پیشین، ص ۳۱.

<sup>۲</sup> برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: الیزابت سریه، پیشین، صص ۲۶۱-۲۶۰ و همچنین

الکساندر بنیگسن و اندرس و یمبوش، پیشین، صص ۴۴-۴۵

<sup>۳</sup> الهه کولایی، پیشین، ص ۱۲۸.

<sup>۴</sup> مهدی سنایی، پیشین، صص ۸۱-۸۲

ها: طریقت‌های تصوف در دوران تهاجم روس‌ها و کمونیست‌ها علیه اسلام، در بقاء اسلام نقش ایفاء نموده و در این راستا «وعاظ سیار» مهمترین نقش را داشتند.<sup>۱</sup> به طور کلی فعالیت طریقت‌های تصوف در منطقه آسیای میانه، قفقاز و روسیه دو وجه عمده داشته است:

۱.۲.۲. **وجه پنهان** که شامل روابط خاص مرید و مرادی، شیوه سلوک معنوی، آداب و آیین‌های فرقه‌ای خاص و ویژگی‌های محلی در هر ناحیه می‌شود و از این راهها با نفوذ در میان مردم، به مقابله با مهاجمان می‌پرداختند. ذکر این نکته ضروری است که شیوخ تصوف با رابطه معنوی با مریدان، آنها را از حالت پراکندگی خارج نموده و با سازماندهی آنها، موجب ایجاد خطر سیاسی می‌شدند. در این راستا شیوخ معمولاً در جامعه به عنوان طبیب، معلم دین و مشاور جامعه، رابطه محکمی با مردم برقرار نموده و با حضور در بطن مردم، تأثیر بسیاری بر آنها می‌گذارند.<sup>۲</sup> بعلاوه وجود ناتوانی نهادهای رسمی اسلامی در حفظ شریعت، جذابیت تصوف در مقابل جامعه ملال آور شوروی، جذابیت ادبی صوفیان، جذابیت مجالس ذکر و سرانجام انگیزه ملی‌گرایی که متأثر از تلفیق هویت قومی و دینی بود، مزید بر علت می‌شد تا مردم به سوی تصوف تمایل یابند.<sup>۳</sup>

علاوه بر اقدامات مذکور، آنها همچنین فعالیت‌های مخفی دیگری نیز جهت تداوم زندگی دینی انجام می‌دادند که از جمله آنها تشکیل مدارس مخفی آموزش دینی برای کودکان، تشکیل دادگاههای اجرای احکام اسلامی، تقویت ساختار طائفه‌ای و پدرسالارانه جهت حفظ هویت طریقت‌ها، گسترش ادبیات زیرزمینی و چاپ و تکثیر نشریات دینی می‌باشد. حتی گروههایی از طریقت قادریه (طریقت ویس حاجی) تکلم به زبان روسی را گناه دانسته و تنها در میان طریقت خود ازدواج می‌کردند. آنها همچنین با تشکیل شبکه‌ای از مساجد غیر رسمی، مدارس دینی زیرزمینی، زیارتگاهها و زائرسرایی که ظاهراً به صورت

<sup>۱</sup> احمد رشید، جهاد: اسلام پیکارجو در آسیای میانه، ترجمه جمال آرام، تهران: عرفان، ۱۳۸۷، ص ۵۹.

<sup>۲</sup> کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، صص ۴۳۴ - ۴۳۵.

<sup>۳</sup> غلامعلی حداد عادل، پیشین، ص ۴۰۳.

مهمانخانه و چایخانه اداره می شد، به گسترش طریقتها مبادرت نموده و از این راهها به حفظ اسلام و سنت ها در میان خود می کوشیدند.<sup>۱</sup>

۲.۲.۲. وجه آشکار: سازماندهی قیامها و حرکت های اجتماعی: در کنار مبارزات پنهان، چندین قیام و اعلان جهاد از طرف طریقتهای مختلف در منطقه آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه شکل گرفت که شیوخ نقشبندیه و قادریه رهبری این مبارزات را برعهده داشتند که با تقسیم بندی آن به سه حوزه، به توصیف آنها می پردازیم:

۲.۲.۲.۱. جهاد صوفیان در شمال قفقاز: از آخرین سرزمینهای اسلامی که تصوف در آن راه یافت، شمال قفقاز بود. تصوف از همان ابتدای ورودش به منطقه، رهبری نهضت های مقاومت علیه حمله روسیه و کمونیست ها را بر عهده گرفت که در این میان نقش اساسی را طریقت نقشبندیه و قادریه ایفاء می کردند.<sup>۲</sup>

نخستین رهبر دینی که در قفقاز علیه روسها اعلان جهاد کرد، امام منصور اوشارما (متوفی ۱۲۰۸ هـ ق / ۱۷۹۳ م) از شیوخ نقشبندیه بود. نهضت او در مناطق چچن، شمال داغستان و کوبان گسترش یافت؛ ولی سرانجام در قبارطی (کاباردین) با شکست روبرو شد.<sup>۳</sup> بعد ایشان، شیخ محمد افندی برای (بایراغلی) از پیران نقشبندیه، در جنوب داغستان علیه روسها اعلان جهاد کرد و همچنین شاگردانش غازی محمد و شیخ شامل نیز در داغستان، با تشکیل نهضت مریدیسم (مریدیه) به مبارزه علیه مخالفان اسلام پرداختند. در این دوره مبارزات وسیعی در سال ۱۸۳۰ م به رهبری غازی محمد آغاز شد و شیخ شامل نیز مبارزات خود را تا شمال قفقاز گسترش داد. شیخ شامل در مناطق تحت حکومت خود شریعت را به اجرا گذارد و بهمین دلیل این دوره به عصر شریعت شهرت دارد. جنبش شیخ شامل در ۱۸۵۹ میلادی با شکست مواجه شد.<sup>۴</sup> بعد از

<sup>۱</sup> م. کامر و دیگران، دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز، ترجمه سید غلامرضا سهامی، تهران؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، صص ۲۴۷ - ۲۵۰

<sup>۲</sup> الیزابت سریه، پیشین، ص ۷۴.

<sup>۳</sup> کاظم موسوی بجنوردی، اسلام پژوهشی تاریخی و فرهنگی، تهران؛ وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۸۳.

<sup>۴</sup> شیخ شامل و قیام او داستان حاجی مراد را به لو تولستوی الهام داد.

این دوران، نقشبندیه به خاطر تعقیب و سختگیری روس‌های تزاری و تبعید و کشته شدن رهبران طریقت‌ها به زندگی پنهان روی آوردند، ولی با این حال وجود روحیه مبارزه طلبی در چچن و داغستان، باعث شکل‌گیری هویت دینی و پایداری قومی مردم این منطقه شد.<sup>۱</sup>

با شکست نهضت مریدان و ایجاد وقفه در فعالیت نقشبندیان (از ۱۲۷۶-۱۲۹۷ هـ.ق / ۱۸۵۹-۱۸۸۰م)، مریدان که از نبرد طولانی خسته شده بودند، به شعار «عدم مقاومت در برابر شر» که از سوی «کونتا حاجی کشیف» یکی از سران قدریه سر داده شد، جذب شدند. پیام او دربردارنده طمأنینه، ترک پلیدیها و شرارتهای دنیوی از طریق خلوت‌گزینی و گوشه‌نشینی بود. این سلسله که برخلاف نقشبندیه، شعارهای عقیدتی ساده‌تر، ساختار داخلی متمرکز و مراسم ذکر جلی جذابتر داشت، از غرب به سوی اینگوش و استیا و از شرق به داغستان گسترش پیدا کرد و به ویژه میان مردم فقیر و روستایی رواج یافت. با تبلیغات مخفی این گروه بین سالهای ۱۸۶۲ تا ۱۸۶۳م، موجی از ناآرامی خطه چچن را فرا گرفت و روسها که از گسترش نفوذ قدریه بیمناک بودند، در سال ۱۸۶۴م کونتا حاجی و تنی چند از یاران وی را دستگیر نمودند و سپس به قریه شمالی از چچن که حدود ۴۰۰۰ نفر از مریدان کونتاحاجی را در خود جای داده بود، حمله بردند. در این نبرد نیمی از مریدان قدری به قتل رسیده، کونتا حاجی هم در سال ۱۸۶۷ در زندان روسها درگذشت. بعد از این حادثه، قدریه به پنج گروه تقسیم شدند: الف) شاخه کونتاحاجی اصلی در چچن و نواحی کوهستانی داغستان، ب) ورد بامت گرای در دهکده کوهستانی اتو را در اینگوش، ج) وردیتل حاجی بلهورف در دهکده سرحجی، یاندرکاو گاژ و در ناحیه نزران، د) ورد چیم میرزا یا طبالان در دهکده میرتوپ در شمال چچن، ه) ویس حاجی که انشعابی از چیم میرزاست که در دوره تبعید چچنها در زمان استالین ایجاد شد و در چچن، اینگوش، داغستان، اوستیا، کابارده، آذربایجان و قزاقستان پراکنده اند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> جان آر، هینلز، پیشین، ص ۳۴۵.

<sup>۲</sup> غلامرضا گلی زواره، پیشین، ص ۲۹۵.



بعد از کشته شدن کونتاجی، گروههای قادریه به مبارزه مسلحانه روی آوردند در کنار نقشبندیه در شورش های ضد روسی داغستان و چین در ۱۲۹۵-۱۲۹۶ هـ ق / ۱۸۷۷-۱۸۷۸ م نقش ایفا نمود. پس از انقلاب اکتبر و گسترش جنگ های داخلی در قفقاز، یکی از حوادث مهم در این دوره، شورش داغستان - چین در طی سال های ۱۹۲۰-۱۹۲۳ م می باشد. در این قیام، مریدان نقشبندی به رهبری دو مرشد به نام های «امام نجم الدین گتزو» و «شیخ اوزون حاجی»، با ارتش گارد سفید و سپس ارتش سرخ جنگیدند.<sup>۱</sup> این حمله موجب شد تا شوروی شروع به پاکسازی و اعدام شیوخ صوفی در منطقه قفقاز کند. شدت پاکسازی موجبات ناراحتی تصوف را فراهم نموده و لذا در سال ۱۹۲۹ م دوباره مردم چین شورش نموده و درنهایت این شورش نیز همانند قیامهای قبلی، در سال ۱۹۳۶ م توسط ارتش سرخ سرکوب شد.<sup>۲</sup>

جدیت تصوف در جهاد علیه کمونیست ها باعث شد تا در فوریه ۱۹۴۴، استالین فرمان دهد تا کل جمعیت چین- اینگوش (حدود یک میلیون نفر) به بازداشتگاههای سیبری و قزاقستان تبعید گردند. گرچه استالین با تبعید آنها، بدنبال سرکوب و نابودی آنها بود؛ ولی عملاً این تبعید، موجب گسترش گروههای مذهبی شده و نتوانست تخریب و نابودی کامل طریقتها را در پی داشته باشد؛ بدین خاطر که طریقت های صوفی برای کوه نشینان تبعیدی، نماد همبستگی ملی در سرزمینهایی بود که به آن تبعید شده بودند.<sup>۳</sup>

پس از مرگ استالین و ابتدای حکومت خورشچف، با اجرای برنامه استالین زدایی، برخی از تبعیدی ها به زادگاه خود برگشتند؛ اما با این حال پیروان قادریه، طریقت خود را در میان قزاقها، ازبکها و قراقالپاقهای آسیای مرکزی ترویج نمودند.<sup>۴</sup> ولی از اواخر دهه ۱۹۵۰ م، حکومت شوروی طبق برنامه های ضد مذهبی خورشچف، به صوفیان قفقاز حمله نموده و طی سالهای ۱۹۵۸،

<sup>۱</sup> کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۱۷۷.

<sup>۲</sup> الکساندر بنیگسن و اندرس و یمیوش، پیشین، ص ۴۲.

<sup>۳</sup> الیزابت سریه، پیشین، صص ۲۶۰ - ۲۶۱

<sup>۴</sup> کاظم موسوی بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، پیشین، ص ۴۳۶.

۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ به سرکوب و محاکمه سران طریقت های صوفی پرداختند.<sup>۱</sup>

۲.۲.۲.۲. **جهاد تصوف در آسیای مرکزی:** با حمله روسیه تزاری به آسیای مرکزی طی سالهای ۱۸۴۷ تا ۱۸۸۱م و تصوف این مناطق مسلمان نشین، شرایط متفاوتی برای مسلمانان آسیای مرکزی ایجاد شد. آنها در مقابله با روسها، قیامهای بسیاری را شکل دادند که از جمله آنها «قیام اندیجان» در ۱۸۷۶م، «قیام فرغانه» در ۱۸۹۸م به رهبری «ایشان دوکچی» از شیوخ نقشبندی، «قیام دره چریک» در سال ۱۸۷۲م به رهبری «خواجه ایشان قول قره»<sup>۲</sup> و «قیام ترکمنها» به رهبری «قربان میرات» از مشایخ نقشبندیه در سال ۱۸۸۱ بوده است.<sup>۳</sup>

طریقتهای آسیای مرکزی و ولگا فعالانه در مبارزه علیه حکومت شوروی شرکت کردند که مهمترین آنها «قیام باسماچیان» و قیامهای دره فرغانه بود که توسط نقشبندیه و یسویه هدایت می شد. همچنین شاخه «ایشانهای دراز گیسو» نیز از فعالترین و تندروترین شاخه های فرقه یسویه بود که توسط «ابومطلب ساتیا لدیف» رهبری می شد. شدت فعالیت های آنها به صورتی بود که در سال ۱۳۴۲ هـ ش / ۱۹۶۳م گروهی از ایشانهای دراز گیسو به اتهام اقدام برای تشکیل دولت مسلمان، در بیشکک محاکمه شدند.<sup>۴</sup>

ذکر این نکته ضروری است که فعالیت سیاسی طریقت های آسیای مرکزی با جهاد سنتی طریقت های شمال قفقاز متفاوت بود؛ بدین خاطر که در دو منطقه غازان در ولگای علیا و شرق دره فرغانه، دو گروه از فرقه های تصوف شامل «هنگ واعظ خدا»<sup>۵</sup> و طریقت «لاچی»<sup>۶</sup>، بلشویکها را به رسمیت شناخته و حتی در جبهه ارتش سرخ، علیه همکیشان خود جنگیدند.<sup>۷</sup> در کنار آنها نیز

<sup>۱</sup> الیزابت سرّیه، پیشین، صص ۲۶۰ - ۲۶۱

<sup>۲</sup> کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۴۴۱.

<sup>۳</sup> منیژه تراب زاده و دیگران، پیشین، ص ۱۷۴.

<sup>۴</sup> غلامعلی حداد عادل، پیشین، ص ۴۰۲.

<sup>۵</sup> شاخه ای از نقشبندیه در منطقه غازان.

<sup>۶</sup> لاجی ها از یسویه های معارض جنوب قرقیزستان هستند.

<sup>۷</sup> الکساندر بنیگسن و اندرس و یمبوش، پیشین، ص ۴۸.

افرادی از طریقه‌هایی مثل نقشبندیه بودند که با سلیقه شخصی به جهاد با شوروی پرداخته و با اتخاذ این سیاست حتی تعدادی از شیوخ تصوف به مقامهایی در نهاد رسمی اسلامی در شوروی دست پیدا کردند که از جمله آنها عبارتند از: ضیاء الدین باباخانف و شمس الدین باباخانف که هر دو از سران نقشبندیه به شمار می‌آمدند و به مقام مفتی تاشکند یکی از نهادهای رسمی شوروی رسیدند.<sup>۱</sup>

۲. ۲. ۲. ۳. جهاد صوفیان در ناحیه ولگای میانه (بخشی از مناطق روسیه): در سده ۱۹م، نقشبندیه فعالیت گسترده‌ای را در منطقه ولگای میانه که جزئی از منطقه روسیه می‌باشد، شروع کرد. در این دوران جنبش صوفیه بین تاتارها جایگاه بالایی داشته و در ناآرامی‌هایی که پس از آزادی تاتارهای سرف (دهقانان روسیه) در ۱۲۷۷-۱۲۷۸ هـ ق / ۱۸۶۱م در منطقه رخ داد، نقشبندیان احساسات ضد روسی را میان تاتارها تشدید کردند.<sup>۲</sup> اما مریدان نقشبندیه بعد استقرار حکومت شوروی، نهاد اسلامی رسمی شوروی را در اوج بدست گرفته و جهت حفظ قدرت و موجودیت خود و اسلام صوفیانه، توافقی را با استالین برای عادی سازی مناسبات بین نهاد اسلامی و شوروی امضاء کردند.<sup>۳</sup>

۳. ( دوره سوم ) تصوف در دوران معاصر (از زمان اعلان آزادی های اجتماعی گورباچف تاکنون) :

۳. ۱. تصوف در دوره حاکمیت گورباچف: حکومت گورباچف در دوران اتحادیه جماهیر شوروی، دوره استثنایی محسوب می‌گردد؛ بدان خاطر که با روی کار آمدن گورباچف در دهه ۱۹۸۰ میلادی، جهت حل مشکلات شوروی و کمونیست، وی سیاست «گلاسنوست»<sup>۴</sup> و «پروستریکا»<sup>۵</sup> را اعلام کرد. در تحقیقات صورت گرفته در خصوص علل ایجاد فضای باز در شوروی برای

<sup>۱</sup> محمد احمد درنیکه، الطریقه‌ النقبندیه و اعلامها، بی جا؛ جروس برس، ۱۳۶۵، ص ۵۵.

<sup>۲</sup> غلامعلی حداد عادل، پیشین، ص ۴۰۰.

<sup>۳</sup> الکساندر بنیگسن و اندرس و یمبوش، پیشین، ص ۵۳.

<sup>۴</sup> Glasnost : سیاست فضای باز سیاسی و اعطاء آزادی بیان

<sup>۵</sup> Prostrika : اصلاحات اقتصادی که به معنای بازسازی اقتصاد در شوروی مشهور شده است .

مسلمانان، موارد متعددی ذکر شده است که مهمترین آنها عبارتند از: ترس از نفوذ اسلام سیاسی از ایران و افغانستان به جمعیت مسلمان شوروی و همچنین بهره مندی از اسلام برای مبارزه با ساختار فاسد و مفاسد اجتماعی که در جامعه ملحد و بی دین شوروی طی ۷۰ سال گذشته پیدا کرده بود.<sup>۱</sup>

در پی اجرای این سیاستها، فضای باز اجتماعی در این کشور شکل گرفته و به این ترتیب فضای تازه ای برای فعالیت مذاهب ایجاد شد. در این وضعیت، مسلمانان یکی از گروههایی بودند که در مدت بسیار کم از طریق بازسازی مساجد و احیای فعالیتهای اسلامی، درصدد بازبانی هویت اسلامی و گسترش تعالیم اسلامی برآمدند.<sup>۲</sup> علی رغم ایجاد فضای باز برای اسلام، طریقت های تصوف نتوانستند مانند گذشته به صورت استوار به فعالیت خود ادامه دهند؛ بدان خاطر که در دوران حکومت تزاری و کمونیستها، دولتمردان تصوف را در منطقه منکوب کرده و با اقداماتی از قبیل قتل شیوخ، نابودی مدارس، نابودی زیارتگاهها و ممنوع شدن انتشار متون تصوف، موجب ضعف شدید متصوفه شد که البته این وضعیت، فضا را برای فعالیت گروههای سلفی آماده کرد و مبلغان سلفی در اواخر دهه ۱۹۹۰، از طریق عربستان جهت تبلیغ وهابیت به منطقه آمدند.

در این دوران از یکسو بدلیل سرخوردگی عمیق مسلمانان از دوران کمونیستی و فقر شدید آنها، منطقه برای رشد اسلام افراط گرایانه آماده بود و لذا عربستان با صرف میلیاردها دلار، عزم خود را جهت تبلیغ وهابیت در منطقه جزم نمود.<sup>۳</sup> از سوی دیگر نیز در این دهه آمریکا با برنامه ریزی در افغانستان علیه شوروی، عده ای از مسلمانان آسیای میانه را برای تعالیم اسلامی و آموزش جنگ چریکی به عربستان و پاکستان فرستاد. این افراد در عربستان تحت نظر وهابیت و در پاکستان نیز جهت تحصیل علوم دینی تحت نظر فرقه دیوبندی بودند که هر دو فرقه مذهبی مذکور، دشمن سرسخت تشیع به شمار می آمدند.<sup>۴</sup> با اتخاذ سیاست فضای باز توسط گورباچف، علی رغم اینکه وی به دنبال

<sup>۱</sup> یوسف وصالی مزین، حزب التحریر ازبکستان، تهران؛ اندیشه سازان نور، ۱۳۸۵، صص ۴۷ - ۴۸

<sup>۲</sup> David Westerland and Ingvar svanberg, (eds), pp ۱۵۶ - ۱۵۷.

<sup>۳</sup> بی نا، بولتن ویژه، پیشین، ص ۳۲.

<sup>۴</sup> احمد رشید، پیشین، صص ۶۱ - ۶۴

تنش زدایی با آمریکا و رفع مشکلات اجتماعی جامعه شوروی بود، ولی این سیاست به نتیجه مثبتی برای این کشور منجر نشد و لذا به فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ انجامید.

۳.۲. نمای کلی اسلام و تصوف پس از فروپاشی شوروی : بعد از فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱، جمهوریهای استقلال یافته قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان اعلام موجودیت کردند و کشورهای آسیای مرکزی را تشکیل دادند.<sup>۱</sup> از طرفی در قفقاز نیز، جمهوریهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان استقلال یافته و به عنوان عضو مستقل جامعه ملل به عضویت سازمان ملل درآمدند. همچنین بر اساس قانون اساسی سال ۱۹۹۳ فدراسیون روسیه، واحدهای خودمختار داغستان، چچن، اینگوش، اوستیای شمالی، کابارده، بالکار، قره چای، چرکس و آدیگه به عنوان جمهوری خودمختار در ترکیب دولت فدراسیون روسیه شناخته شدند که مجموعاً منطقه قفقاز شمالی را تشکیل می دادند.<sup>۲</sup>

استقلال سیاسی جمهوریهای تازه استقلال یافته، موجب بروز بحث هایی جدی در مورد بازگشت این سرزمین ها به مجموعه کشورهای اسلامی و دارالاسلام گشته و میراث فرهنگی بازمانده از دوران کمونیسم، ضرورت بازیابی خویشتن تاریخی- فرهنگی را برای مردم این سرزمین ها آشکار نمود. به همین خاطر تعدادی از کشورهای مسلمان به طور جدی بدنبال تجدید هویت خود برآمدند که در برخی از آنها تجدید هویت اسلامی در قالب احیاء تصوف بوده است. لذا قبل از بررسی وضعیت تصوف در مناطق و کشورها، در صددیم که بر مبنای دیدگاه محققین، نوع فعالیت مسلمانان را در قالب سه دسته کلی به صورت مختصر توضیح دهیم؛

۳.۲.۱. اسلام صوفیانه : اسلامی که میان صوفیان منطقه رایج بوده و به نوعی وجه هویتی آنها محسوب می گردد و لذا بیشتر ریشه در طریقتها و نگاه صوفیانه دارد.

<sup>۱</sup> David Westerland and Ingvar svanberg, (eds), pp۱۴۹.

<sup>۲</sup> بهرام امیراحمدیان، جغرافیای قفقاز، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، ص ۵.

۳.۲.۲. اسلام بنیادگرا / سلفی : این نوع دیدگاه نسبت به اسلام، ریشه در بنیادگرایی سلفی و طالبانیسم داشته که در دهه ۱۹۸۰ م وارد منطقه شده است و بتدریج با سرمایه گذاری های عربستان و حمایت آمریکا رشد نموده است. در چند سال اخیر اسلام تندرو با نزدیک شدن به اسلام صوفیانه و نابودی آرمانها و اصول تصوف، درصدد یارگیری از میان پیروان اسلام صوفیانه می باشد.

نمونه بارز اسلام بنیادگرا در این منطقه، سه گروه حزب التحریر، جنبش اسلامی ازبکستان<sup>۱</sup> و نهضت اسلامی تاجیکستان می باشند که به سازماندهی فعالیتهای براندازانه در بیشتر کشورهای منطقه به ویژه ازبکستان متهم هستند. ذکر این نکته ضروری است که با فروپاشی شوروی و از بین رفتن رقیب دیرینه آمریکا و همچنین حادثه ۱۱ سپتامبر که موجب نزدیکی کشورهای منطقه به آمریکا شده است، در نتیجه بسیاری از دولتمردان منطقه با کمک آمریکا، درصدد مبارزه با اسلام بنیادگرایانه برآمده اند. برخی از دولتمردان با اسلام بنیادگرا دشمنی زیادی داشته تاحدی که به عنوان نمونه «اسلام کریم اف»، رئیس جمهور ازبکستان، در خصوص مقابله با آنها چنین اظهار نموده است که: «چنین کسانی باید با گلوله کشته شوند؛ اگر لازم شود خود این کار را انجام خواهم داد»<sup>۲</sup>.

۳.۲.۳. اسلام مورد حمایت دولت : اسلام مورد حمایت دولتهای کنونی منطقه، بر مبنای تعالیم اهل سنت بوده و در برابر اسلام بنیادگرا قرار دارد. دولتهای منطقه، طبق ساختارهای باقی مانده از مراکز چهارگانه اسلامی شوروی، به کنترل و نظارت نهادهای مذهبی پرداخته و البته باید گفت که این کنترل در کشورهای مختلف دارای شدت و ضعف می باشد. ذکر این نکته ضروری است که برخی از کشورها با دفاع و ترویج تصوف درصدد بازیابی آن در برابر اسلام

<sup>۱</sup> جنبش اسلامی ازبکستان (IMU) «Islamic Movement of Uzbekistan» به رهبری طاهر بلدش اف و جمعه نمندگان، از عناصر متمایل به وهابیت به شمار می آید که محل استقرار آن در فرغانه در شهرهای منگان و اندیجان است. این جنبش از طالبان و سازمان القاعده کمک مالی و نظامی و آموزشی دریافت می کنند.

<sup>۲</sup> عنایت الله یزدانی، «چرا رفرمهای دموکراتیک در آسیای مرکزی کارگر نمی افتند»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۲۲، ش ۲۴۲-۲۴۱، مهر و آبان ۱۳۸۶، ص ۴۹

بنیادگرا می باشند که این نکته قابلیت بهره مندی در تضاد با وهابیت را دارد.<sup>۱</sup>

**۳.۳. وضعیت تصوف در روسیه، آسیای میانه و قفقاز و سیاست کشورها در قبال آن:**

**۳.۳.۱. روسیه:** جمعیت تقریبی مسلمانان روسیه بنابر آمار سال ۲۰۰۷، معادل ۲۰ تا ۲۳ میلیون نفر برآورد شده است که در سراسر فدراسیون روسیه پراکنده هستند. آنها در مناطقی از جمله ناحیه ولگا- اورال (جمهوری های خودمختار تاتار، باشقیر، چوواش)، در قفقاز شمالی (جمهوری های خودمختار داغستان، چچن- اینگوش و کاباردیا) و در میان مردم ترک زبان سیبری به سر می بردند. همچنین در مناطق دیگری همچون مسکو، سن پترزبورگ و شهرهای بزرگ روسیه نیز مسلمانان زیادی زندگی می کنند. بررسی گرایش مذهبی مسلمانان بیانگر آن است که در مناطق چچن، اینگوش و داغستان دارای مذهب شافعی و در دیگر مناطق قفقاز شمالی حنفی هستند و طریقه های تصوف نیز عمدتاً در داغستان و چچن ساکن می باشند.<sup>۲</sup>

اسلام با رویکرد تصوف، بعد از فروپاشی شوروی در مناطقی از قبیل داغستان روسیه احیا گردید و طبق گفته های یک مقام داغستانی، حدود ۶۰ درصد مردم محلی خود را صوفی دانسته و ۴۰ انجمن صوفیانه در این منطقه به ثبت رسیده است.<sup>۳</sup> یکی از اعمال مرسوم در میان طریقه های تصوف منطقه، زیارت مرقدها و مزارهایی است که به عنوان هویت اسلامی صوفیان، نقش مهمی را ایفاء کرده و بیانگر زنده بودن طریقه ها در هر منطقه می باشد.<sup>۴</sup>

علاوه بر منطقه داغستان، چچن نیز یکی از مناطقی است که تصوف در آن رواج دارد. مسلمانان این منطقه در دوران حکومت تزاری با مقاومت علیه مخالفان اسلام به الگویی برای مسلمانان منطقه قفقاز و آسیای میانه تبدیل

<sup>۱</sup> حسین مسعودنیا، پیشین، ص ۳۴

<sup>۲</sup> بی تا، گزارش: «جوامع مسلمان و سازمانهای اسلامی فدراسیون روسیه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۱۶، ش ۵۹، پاییز ۱۳۸۶، صص ۲۰۸-۲۰۵

<sup>۳</sup> بی تا، بولتن ویژه، پیشین، ص ۳۲

<sup>۴</sup> فیس روی مک لین، شیخ شامل داغستانی، ترجمه کاوه بیات، تهران؛ دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۰،

شدند و همچنین بعد از روی کار آمدن کمونیست‌ها، علی رغم مبارزه دولت مرکزی با اسلام، مقاومت صوفیان در برابر آنها، مانع نابودی تصوف و اسلام در این منطقه شد. حتی سیاست‌های تبعید صوفیان از سوی حکومت کمونیست نیز برخلاف انتظار همگان، موجب تقویت بیشتر تصوف شد.

در خصوص دوران پس از فروپاشی شوروی باید اظهار داشت که به علت افزایش بی ثباتی، فقر، بیکاری و بی عدالتی در این جمهوری، زمینه‌های رشد و توسعه نگرش‌های افراطی همانند وهابیت فراهم شد و آنها نیز همانند شیوخ تصوف (همانند امام شامل در مبارزاتش علیه تزارها) هدف خود را تشکیل یک کشور اسلامی در جمهوری‌های مسلمان نشین قفقاز اعلام کردند. وهابیون جهت تحقق اهداف خود، علاوه به حمله روس‌ها، با اتهام کفر و ارتداد صوفیان، منازل آنها را تخریب و شیوخ صوفیان را نزد مردم منحرف معرفی کردند. علی رغم فعالیت‌های صورت گرفته از سوی وهابیون در منطقه، از آنجایی که اکثر مردم چچن، صوفی و پیرو نقشبندیه یا قادریه بودند، وهابیت نتوانست موفقیت چندانی کسب نماید؛ بدان خاطر که وهابیون با خرافه دانستن، منحرف تلقی کردن و ممنوع کردن آداب و رسوم رایج و سنتی مردم منطقه همچون جشنهای سنتی، جشنهای ازدواج و شیوه‌های خاص پوشش سنتی مردم منطقه و... در صدد ترویج افکار خود می‌باشند. با این حال ذکر این نکته ضروری است که بدلیل فقر مسلمانان منطقه، وهابیون با هزینه‌های بسیار هنگفت در میان مردم منطقه چچن، به تدریج در حال رسوخ نزد مردم فقیر هستند. شاهد ادعای مذکور آن است که در سال ۱۹۹۶، حدود دو هزار تن از رزمندگان چچنی برای آموزش سه ماهه به اردوگاه‌های طالبان در پاکستان اعزام شده که در آنجا علاوه بر آموزش‌های نظامی، تعلیماتی درباره اصول اسلام و شریعت نیز به آنها داده شد.<sup>۱</sup>

یکی از نکات مهم در خصوص تصوف در روسیه آن است که این منطقه همواره مهد تصوف در اشکالی نوین بوده است که از جمله آنها جنبش بین

<sup>۱</sup> زولی ویلهلمسن، «اسلام‌گرایی، جنبش جدایی طلب چچن»، ترجمه سعید نقی زاده، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۱۳، ش ۴۹، بهار ۸۴، صص ۱۴۹ - ۱۵۰



المللی صوفی است که به وسیله «عنایت خان» در م ۱۹۲۰ با مرکزیت سیرسبیک روسیه ایجاد شد. همچنین در دهه های پایانی قرن ۲۰ نیز نوعی تصوف که مخلوطی از هیپی گری غربی، موزیک راک، معنویت هندی و هنرهای رزمی شرقی بود، در این منطقه رواج پیدا کرد.<sup>۱</sup>

۲.۳.۳. قفقاز جنوبی: قفقاز جنوبی شامل سه جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می باشد که تنها آذربایجان مسلمان نشین بوده و لذا در اینجا به اختصار در پی بررسی وضعیت اسلام و تصوف در آن می باشیم. آذربایجان یکی از کشورهای است که شیعیان زیادی در آنجا بسر می بردند. مذهب تشیع در آذربایجان همزمان با ایران در دوران صفویه گسترش یافت و به صورت دین اکثریت مردم درآمد. در حال حاضر ۷۵ تا ۸۰ درصد از مسلمانان جمهوری که شامل ۷۰ تا ۷۵ درصد از کل جمعیت کشور می باشد را شیعیان تشکیل می دهند.<sup>۲</sup>

ذکر این نکته ضروری است که تصوف و فعالیت طریقت های صوفیانه در جمهوری آذربایجان، برخلاف آسیای مرکزی و مناطق شمالی قفقاز نظیر داغستان و چچن که از دیرباز تصوف مرسوم بوده، رواج کمتری داشته است. آنچه امروز در جمهوری آذربایجان تحت نام صوفی گری جریان دارد، در واقع تأثیراتی است که از طریقت های صوفی رایج در آسیای مرکزی و داغستان نشأت گرفته است و لذا هنوز این ایده ها در آذربایجان بومی نشده اند.

در خصوص تصوف موجود در این کشور باید اظهار داشت که طریقت های چهارگانه نقشبندیه، قادریه، یسویه و بکتاشیه به نوعی تأثیراتی در بین علاقمندان تصوف در آذربایجان داشته و پس از فروپاشی شوروی و استقلال آذربایجان، ترکیه با استفاده از خلاء مذهبی موجود در این کشور، شاخه های فرعی طریقت های صوفی مانند نورجی ها را در این کشور ترویج نموده است و در این زمینه «فتح الله گولن» شخصیت مشهور دینی- فرهنگی ترکیه و هدایتگر اصلی شاخه نورجی ها، اهتمام خاصی در زمینه فعالیت در آسیای مرکزی و

<sup>۱</sup> David Wester Lound and ingvar svanberg. (eds). p ۴۱۰

<sup>۲</sup> الیاس واحدی، برآورد استراتژیک آذربایجان، جلد اول، تهران؛ مؤسسه ابرار معاصر، ۱۳۸۲، ص ۶۵

قفقاز می‌ورزد. در این راستا، روزنامه اسلام‌گرای زامان (چاپ ترکیه) که با محافل دینی نوری‌ها پیوند دارد، به زبان آذری نیز چاپ می‌شود.<sup>۱</sup>

۳.۳.۳. آسیای میانه: تصوف در منطقه آسیای میانه جایگاه بسیار مهمی دارد که در اینجا درصدد بررسی وضعیت تصوف در مهمترین کشورهای آن یعنی ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان می‌باشیم. بین کشورهای تازه استقلال یافته آسیای میانه، در کشور ازبکستان اهمیت زیادی به تصوف و طریقتها داده می‌شود و از میان طریقتها، نقشبندیه نقش مهمی در ازبکستان بازی می‌کند. رهبران این طریقت اهمیت بسیاری برای مردم داشته و شاهد این مدعا این است که مزار شیوخ تصوف در منطقه هنوز مورد زیارت واقع می‌شود.<sup>۲</sup> همچنین در روند تاریخ، تحقیقات بسیاری در زمینه شناخت تصوف و شیوخ صوفی صورت گرفته است. از جمله اینکه بعد از استقلال ازبکستان، دانشمندانی همانند نجم‌الدین کامل اف، عارف عثمان، گلچهره نوروز آوا و ... به بررسی آثار و زندگی شیوخ صوفی پرداخته و افزون بر این، تاریخ تصوف و عرفان در دانشگاههای این کشور، به عنوان واحد درسی ارائه می‌شود. باید خاطر نشان کرد که تصوف علاوه بر مجامع علمی، در میان مردم نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به عنوان مثال در سال ۱۳۸۱ هـ.ش / ۲۰۰۲ م به مناسبت ۲۷۰۰ سالگی شهر ترمذ، موزه‌ای در کنار مقبره حکیم الترمذی احداث شد که مجموعه‌ای از مقبره، مسجد و خانقاه را دربر داشته و همچنین در سال ۲۰۰۳ م نیز سالروز تولد خواجه عبدالخالق غجدوانی مؤسس طریقت خواجهگان مجموعه باشکوهی در غجدوان برپا گردید.<sup>۳</sup>

روند توجه به تصوف علاوه بر محیط دانشگاهی و نزد مردم، همچنین به حیطه آموزش و پرورش عمومی دولتی نیز رسوخ کرده و تلفیقی بین مفهوم غربی جامعه مدنی با مؤلفه‌های مدرن تصوف ایجاد شده است و لذا دولت نیز

<sup>۱</sup> الیاس واحدی، هویت قومی در جمهوری آذربایجان، تهران؛ ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۶، ص ۹۶  
<sup>۲</sup> جوان گراس، «هویت فرهنگی و مذهبی در آسیای مرکزی»، ترجمه محمد شوری، فصلنامه مطالعات آسیای میانه و قفقاز، س ۲، ش ۴، بهار ۱۳۷۳، ص ۲۱۹.  
<sup>۳</sup> عباسعلی وفاپی، پیشین، صص ۱۱۳ - ۱۳۱

توجه خاصی به تصوف و نهادهای رسمی مسلمانان نموده است.<sup>۱</sup> توجه دولت ازبکستان به تصوف از طرفی به علت ریشه های تاریخی و ملی آنها بوده و از طرفی دیگر نیز خطر ورود اسلام سلفی به ازبکستان، دولت را وادار نمود تا نگاه ویژه ای به تصوف و احیای آن داشته باشد.<sup>۲</sup> هر چند طبق نظر محققین، حکومت ازبکستان به طور مشخص تاکنون در مورد کیفیت برخورد و تعامل با احیای تصوف در درازمدت همچنان دچار تردید است.<sup>۳</sup>

در کشور قزاقستان نیز احیاء سنت های اسلامی با رویکرد تصوف در حال شکل گیری بوده و اسلامی سازی جامعه بالخصوص در مناطق جنوبی این کشور، بخشی از این فرایند محسوب می گردد.<sup>۴</sup> مزار احمد یسوی معروفترین صوفی ترک تبار (اهل ترکستان کنونی) در جنوب قزاقستان قرار داشته و آرامگاه وی طی سالیان طولانی مورد زیارت مردم و مریدان بوده و پس از استقلال قزاقستان، مزار خواجه احمد یسوی و شهر ترکستان اهمیت زیادی نزد مردم یافته است تا جایی که ترکستان به عنوان پایتخت معنوی قزاقستان شناخته می شود. خواجه یسوی و طریقت یسویه یکی از ابزارهای خودشناسی ملی و اسلامی قزاقستان که فرهنگ این کشور را از فرهنگ روس جدا می کند.<sup>۵</sup>

دولتمردان قزاق جهت احیاء تصوف گامهای مهمی برداشتند، از جمله اینکه آنها با سرمایه گذاری ترکیه، دانشگاه خواجه احمد یسوی را در کنار مزار وی تأسیس کردند. این دانشگاه که با مدیریت مشترک قزاقستان و ترکیه اداره می شود، از وجود اساتیدی از کشورهای چین، مصر، آمریکا و حدود ۴۰ استاد از ترکیه استفاده می کند. یکی از نکات قابل توجه این است که بخش آموزش زبان فارسی نیز در این دانشگاه تأسیس شده است.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> بی نا، بولتن ویژه، پیشین، ص ۲۲.

<sup>۲</sup> یوسف وصالی مزین، جنبش اسلامی ازبکستان، تهران؛ اندیشه سازان نور، ۱۳۸۵، ص ۵.

<sup>۳</sup> خدیجه زغمی، پیشین، ص ۵۹.

<sup>۴</sup> روی آلیسون و لنا جانسون، امنیت در آسیای مرکزی، ترجمه محمد رضا دبیری، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲، ص ۷۷.

<sup>۵</sup> David Westerland and Ingvar svanberg, . (eds), p ۱۵۹

<sup>۶</sup> مهدی سنایی، ره آورد ماوراء النهر، تهران؛ انتشارات الهدی، ۱۳۷۸، صص ۴ - ۵

دولتمردان قزاقستان به همین امر بسنده نکردند و به گروه‌های صوفی مانند پیروان عصمت الله شیخ اجازه دادند که در شبکه های تلویزیونی خصوصی قزاقستان حاضر شوند. این شبکه ها سخنرانی ها، ترانه ها و مناسک صوفی را پخش می کنند.<sup>۱</sup>

تصوف در میان ترکمن ها نیز از نفوذ زیادی برخوردار بوده و مراقد و مزار صوفیان طی صدها سال مورد زیارت این افراد بوده است. طریقت های زیادی در این کشور فعالیت می کنند که طریقت کبرویه به عنوان یکی از طریقت های عرفانی کهن در منطقه خوارزم (در ترکمنستان کنونی واقع شده است) می باشد که در حال حاضر نیز در محدوده خوارزم و ا ورگنج در ترکمنستان هوادارانی دارد.<sup>۲</sup>

**۴.۳. جریانات مخالف تصوف در دوران معاصر:** در این بخش ما به دنبال معرفی منتقدان تصوف در دوران معاصر بوده و برآنیم تا گروه‌های منتقد تصوف را در منطقه آسیای میانه و قفقاز به اجمال بررسی نمائیم. در این راستا باید خاطر نشان کرد که به طور کلی می توان از چهار گروه نام برد که طریقت های تصوف را مورد چالش قرار می دهند:

**۴.۳.۱. خود صوفیان:** یکی از گروه‌های منتقد به طریقت‌های صوفی، خود صوفیان می باشند که به بعضی کژرویها، نادرستیها و انحرافهای طریقت‌ها اعتراض می کنند.

**۴.۳.۲. اسلام سلفی:** این گروه اساساً با تصوف مخالف بوده و افراد متعصب در این گروه، از آنجایی که بدنبال اسلام اصیل یا اسلام سلف صالح می باشند، لذا تصوف را در حکم بدعت در دین دانسته و حامیان تصوف را کافر تلفی می کنند.<sup>۳</sup>

به طور کلی وهابیت یا سلفی گری ادعای پاک کردن مسلمین از بدعت‌ها را داشته و برای این کار به قرآن و احادیث به صورت ظاهری تأکید می کند. این راه حل

<sup>۱</sup> خدیجه زغمی، پیشین، ص ۵۹.

<sup>۲</sup> غلامعلی حداد عادل، پیشین، ص ۴۰۲.

<sup>۳</sup> الیزابت سریه، پیشین، ص ۲ - ۳.

میان مردم موفق بود؛ بدان خاطر که آنها درک نمی کردند که وهابیون با این اقدام بدنبال نابودی عقاید مستدل کلامی و قانونی مسلمین می باشند. وهابیت با استفاده از فرصت بوجود آمده شروع به ساختار زدایی فرهنگی نمود و به عنوان نمونه به حذف مراکز اجتماعی صوفیان روی آورد.<sup>۱</sup> یکی از نکات جالب توجه در خصوص نحوه فعالیت وهابیت، شباهت فعالیت‌های آنها با اقدامات ضد دینی دوران کمونیستی است؛ بدان خاطر که آنها همانند کمونیست ها دست به کارهایی مانند نابودی اماکن اجتماعات متصوفه مثل مزارها و زیارتگاهها، کشتن شیوخ صوفی، خراب کردن خانه شیوخ و مخالفت با جشنها و مراسمات دینی پرداختند، در حالی که بیشتر این اعمال و مناسکها جزء ویژگیهای هویتی مردم منطقه محسوب گشته و تجربه قلبی کونیستها در این زمینه جهت نابودی تصوف به شکست منجر شد.

**۳.۴.۳. اسلام سنت گرا دولتی:** از نخستین سالهای پیدایش تصوف در منطقه، یکی از گروههایی که سرسختانه درصدد مخالفت با تصوف برآمد، اسلام سنت گرای دولتی بود که با ایجاد نهادهای رسمی اسلامی سعی در مقابله با تصوف داشته و این دیدگاه در دوران حکومت شوروی بسیار رایج بوده و در حال حاضر نیز این وضعیت در برخی از کشورها مشاهده می شود.

**۳.۴.۴. حامیان مدرنیسم غربی:** دهه های بعد از ۱۹۵۰ میلادی به بعد که به تدریج کشورهای مسلمان جهت رسیدن به پیشرفت، از الگوهای غربی پیروی می کردند، در میان گروههای جامعه، گروههایی همچون نخبگان تحصیل کرده و طبقه متوسط جدید شکل گرفت که پیروی از اصول و آئین طریقت ها را مخصوص عده ای سنتی دانسته و لذا ضمن نقد تصوف، درصدد ایجاد اصول مدرنیته غربی در جامعه می باشند.

نخبگان غربگرا، تصوف را به عنوان جریانی ارتجاعی و بازمانده از سنت می شناسند و بر این اعتقاد هستند که تصوف نه تنها سنخیت و تناسبی با فرایند نوسازی جوامع رو به توسعه ندارد؛ بلکه در جهت قهقرایی سیر می کند. بر مبنای پیروی از دیدگاه مذکور، امروزه سبک زندگی مدرن در جوامع اسلامی

۱ بی نا، بولتن ویژه، پیشین، ص ۱۸.

منطقه در حال گسترش بوده و روز به روز نفوذ طریقت‌های سنتی کمتر می‌شود. برای پاسخ به دیدگاه مذکور، برخی از طریقت‌های مدرن تصوف درصدد برآمدند تا با تلفیق عرفان بودایی و هیپی‌گری غربی در میان مردم نفوذ کنند.<sup>۱</sup>

**۳.۵. رویکرد کشورهای فرا منطقه ای نسبت به تصوف:** یکی از مباحث مهم که بحث در خصوص آن ضروری به نظر می‌رسد، بررسی وضعیت رقبا در منطقه و رویکرد آنها نسبت به تصوف می‌باشد. لذا در اینجا به دنبال آن هستیم تا به برنامه‌ها و فعالیت‌های انجام گرفته چند کشور مهم پرداخته شود. لذا ابتدا رویکردها و فعالیت ایران را در بین کشورهای مسلمان منطقه بررسی نموده و در ادامه نیز به فعالیت سایر رقبا فرامنطقه ای ایران اشاره می‌کنیم.

**۳.۵.۱. ایران:** تاریخ منطقه آسیای مرکزی و قفقاز با فرهنگ اسلامی و سنن ایرانی گره خورده و مناطقی که اکنون به صورت جمهوری‌های مستقل درآمده‌اند، در قرون متمادی جزئی از قلمرو ایران بودند.<sup>۲</sup> ریشه عمیق فرهنگی ایران در منطقه جمهوری‌های آسیای مرکزی تا حدی بود که علی‌رغم تلاشهای ۷۰ ساله حاکمیت کمونیسم، هنوز هویت این اقوام، بخشی از هویت ایرانی به شمار می‌رفت. لذا عمق این پیوندها علاوه بر اینکه رهبران جمهوری‌های شوروی سابق را مجبور به اعترافهای مکرر به قدرت معنوی فرهنگ ایران در این کشورها کرده، همچنین بسیاری از مسلمانان در این کشورها برای کسب وجهه بیشتر، بارها از علائق شخصی خود به فرهنگ ایرانی دم زدند.<sup>۳</sup> لذا این تمایل در کنار اتخاذ سیاست «نه شرقی نه غربی» و گسترش افکار انقلابی به سایر کشورها باعث شد، تا ایران تهدیدی برای شوروی به حساب آمد.

با توجه به تشابه نژادی و فرهنگی، از تاثیرات مهم انقلاب اسلامی ایران در این کشورها، تجدید حیات اسلام و تقید عملی آنها به اسلام بوده و همچنین افزایش حضور مردم در مساجد و تبدیل امام خمینی به یک سمبل سیاسی برای

۱ الیزابت سرّیه، پیشین، صص ۲۳۸ - ۲۳۹

۲ غلامرضا گلی زواره، شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین، قم؛ مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۲۸۶

۳ علی رضا شیخ عطار، ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران؛ موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱، صص ۷۲

آنها باعث شده بود تا سیاستمداران شوروی همواره نگرانی خود از رسوخ اسلام سیاسی که پیامد گریز ناپذیر گسترش رابطه این جمهوری ها با ایران بود را ابراز کرده و همیشه سعی داشتند که تا حد ممکن مسلمانان مناطق اتحاد شوروی را از ایران دور نگه دارند،<sup>۱</sup> بدان دلیل که انقلاب اسلامی ایران برای آنها یکسری جذابیت‌هایی داشت که منافع شوروی را در خطر می انداخت که از جمله آنها عبارتند از: وجهه ضد امپریالیستی انقلاب اسلامی، ماهیت مردمی انقلاب ایران با وعده های آن مبنی بر کنار نهادن دیوانسالاری فاسد کهن و روی کار آوردن نسل جدید از رهبران جوان مردمی و ...<sup>۲</sup>

بیداری ناشی از انقلاب اسلامی در بین مسلمانان شوروی، قبل از آنکه به بلوغ رسیده و به یک جریان نیرومند و آشکار سیاسی در مقابله با حزب کمونیست تبدیل شود، با فروپاشی شوروی مواجه شد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ایجاد جمهوری های جدید مستقل در آسیای مرکزی و قفقاز، از یکسو تغییرات مهمی به شمار می رفت که می توانست در این موقعیت موجود، اسلام جایگزین مطلوبی به جای ایدئولوژی کمونیستی باشد و از سوی دیگر نیز همجواری و میراث مشترک تاریخی و فرهنگی مسلمانان این مناطق با ایران، زمینه جذب به دنیای اسلام و انقلاب اسلامی ایران را فراهم می کرد.<sup>۳</sup> لذا ترس از تجدید حیات اسلام و گسترش اسلام انقلابی، چنان غرب را به تکاپو واداشت که با تلاش در زمینه های توسعه سیاسی و اقتصادی این منطقه، به کوتاه نگه داشتن دست ایران از منطقه پرداخته و سعی نمودند تا با معرفی ترکیه به عنوان کشوری مدرن با تجارت آزاد و جدایی کامل دین از سیاست بعنوان سمبلی برای این جمهوری ها، به طور غیر مستقیم سیاست های خود را در این منطقه دنبال

<sup>۱</sup> جمیله کدیور، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران؛ نشر اطلاعات، ۱۳۷۹، ص ۱۲۹.

<sup>۲</sup> الکساندر بنیگسن و مری براکس آپ، مسلمانان شوروی، گذشته، حال و آینده، ترجمه کاوه بیات، تهران؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۳.

<sup>۳</sup> محمد باقر حشمت زاده، تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۳.

کنند.<sup>۱</sup> همچنین ایران که درگیر بحرانهای ناشی از جنگ بوده و فرصت استفاده از زمینه‌های فوق را نداشت، هنوز یک الگوی نظری و عملی شفاف در مورد جامعه و دولت اسلامی تدوین نکرده بود که این امر از تاثیرپذیری جمهوری‌های مسلمان می‌کاست. در عین حال اثر گذاری انقلاب اسلامی در این ممالک با چالش و رقابت جدی از سوی کشورهای اسلامی، روسیه، آمریکا، اسرائیل و اروپا روبرو بود.<sup>۲</sup>

۳.۵.۲. رقباء: رقباء فعال در منطقه را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: گروه اول مخالفان تصوف هستند که به تبلیغ اسلام سلفی در منطقه پرداخته و شامل عربستان، پاکستان و گروههایی همچون طالبان، القاعده و حزب التحریر اردن می‌گردد. گروه دوم نیز مدافعان تصوف هستند که می‌توان به ترکیه و آمریکا اشاره کرد که هر کدام از ترویج تصوف دنبال اهداف خاص خود هستند که در ادامه خواهد آمد.

### گروه اول - مخالفان تصوف:

**الف. عربستان:** در دوران فضای باز سیاسی گورباچف، عربستان با حمایت از وهابیت توانست در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نفوذ نموده و اندیشه‌های وهابی را توسط سازمان «روابط العالم الاسلام» که مرکز اصلی تبلیغ وهابیت به شمار می‌رود، گسترش دهد. فلسفه اصلی مؤسسه مذکور، بسط وهابیت و مقابله با گسترش اندیشه انقلاب اسلامی ایران بود. به این منظور، عربستان هیأتی را به ریاست «یوسف الاخضر» به منطقه اعزام نمود و در کنار آن نیز دانشجویانی را به دانشگاه تاشکند فرستاد که در آنجا به تبلیغ وهابیت بپردازند.<sup>۳</sup>

بعد فروپاشی شوروی که فضا برای فعالیت بیشتر جریان‌های اسلامی فراهم شد، عربستان علاوه بر توزیع میلیونها نسخه قرآن در منطقه، همچنین برای مرمت و ساخت مساجد، دلارهای زیادی هزینه کرد. علاوه بر این، دانشگاه سعودی ملک عبدالعزيز نیز بورسهایی را برای دانشجویان منطقه تدارک دید و

<sup>۱</sup> منوچهر محمدی، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۷.

<sup>۲</sup> محمد باقر حشمت زاده، پیشین، همان.

<sup>۳</sup> یوسف وصالی مزین، پیشین، ص ۴۳.



برخی از رهبران بنیادگرای منطقه مانند جمعه نمنگان و عبدالاحد برای آموزش به عربستان دعوت شدند.

در کنار عربستان، کشورهای عربی دیگر در غالب سازمانهایی نظیر اتحادیه مسلمانان جهان، سازمان امداد بین المللی و اجلاس جهانی جوانان مسلمان در منطقه آسیای میانه، قفقاز و روسیه در حال فعالیت هستند.<sup>۱</sup>

ب. **پاکستان، طالبان و...** : در دهه ۱۹۸۰م هنگامی که آمریکا در حال انجام برنامه ریزی علیه شوروی در افغانستان بود، طبق طرحی، عده ای از مسلمانان آسیای مرکزی برای تعالیم اسلامی و آموختن جنگ چریکی به عربستان و پاکستان رفتند. علاوه بر مسلمانان منطقه، همچنین این دعوت از کل جهان اسلام صورت گرفت، به طوری که در خلال سالهای ۱۹۹۲ - ۱۹۹۸ م، ۳۵ هزار مسلمان تندرو از ۴۳ کشور مسلمان در افغانستان جنگیده و ۱۰ هزار مسلمان نیز در پاکستان شروع به تحصیل علوم دینی نمودند. نکته قابل توجه اینکه در پاکستان فرقه افراطی دیوبندی فعالیت زیادی داشته و بسیاری از مسلمانان مهاجر بالخصوص از آسیای میانه و قفقاز در مدارس دیوبندی تحصیل می کردند. پس از پایان جنگ افغانستان و شوروی، مجاهدین به سرزمینهای خود برگشته و این آغازی در گسترش و نفوذ افکار طالبان و القاعده در مناطق مختلف جهان اسلام بود که بالطبع منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نیز از آن مستثنی نبودند.<sup>۲</sup>

در دهه ۱۹۹۰م، با تشکیل حکومت طالبان در افغانستان آموزش رزمندگان و گروههای مبارز مسلمان بالخصوص از چچن ادامه یافت؛ به عنوان مثال در اوت ۱۹۹۶م، حدود ۲۰۰۰ تن از رزمندگان چچنی برای آموزش سه ماهه به اردوگاههای طالبان در پاکستان اعزام شده که در آن علاوه بر آموزشهای نظامی، تعلیماتی در خصوص اصول اسلام و شریعت به شکل افراطی نیز ارائه می شد.<sup>۳</sup> علاوه بر این رزمندگان، همچنین مبلغان مختلفی از پاکستان جهت تبلیغ اسلام بنیاد گرا به کشورهای منطقه اعزام شدند؛ به عنوان نمونه هشت هیأت

<sup>۱</sup> همان، ص ۵۷ .

<sup>۲</sup> احمد رشید، پیشین، ص ۶۱ - ۶۴

<sup>۳</sup> ژولی ولیهلمسن، پیشین، ص ۱۴۹ - ۱۵۰

مذهبی به نمایندگی جامعه اسلامی لاهور پاکستان، در ۱۲ اکتبر ۱۹۹۸ به دعوت انجمن مساجد مسکو به باشکورستان رفته و در نفتکامسک و دیورتی اولیاخ، خدماتی در مساجد ارائه می دادند.<sup>۱</sup> در همین راستا حزب رستاخیز اسلامی در تاجیکستان و جنبش اسلامی ازبکستان (IMU) نیز شروع به فعالیت کردند. گر چه حزب رستاخیز اسلامی در تاجیکستان، نسبت به اصول اولیه خود که از پاکستان تعلیم دیده بود، تغییر ماهیت داد و تبدیل به حزب سیاسی شد؛ اما جنبش اسلامی ازبکستان همچنان بخشی از جنبش اسلام گرای شبه نظامی بین المللی محسوب می شد که با طالبان در ارتباط بود.

در کنار احزاب مذکور، حزب التحریر که در برخی کشورهای منطقه در حال رشد است، از اردن حمایت شده و افکار سلفی خاص خود را در منطقه اشاعه می دهد.<sup>۲</sup>

### گروه دوم - حامیان تصوف :

**الف. آمریکا :** در دوره دو قطبی و جنگ سرد، یکی از سیاست های اصلی آمریکا در تقابل با شوروی، آموزش نیروهای افراطی مسلمان در پاکستان و عربستان و اعزام آنها به افغانستان و سایر کشورهای منطقه جهت مقابله با شوروی بود. آموزش مسلمانان افراطی حتی تا دوران پس از فروپاشی شوروی نیز ادامه داشت و آمریکا علاوه بر نزدیکی با دولتهای منطقه، همچنین از طریق بهره گیری از نیروهای مذهبی افراطی، سیاستهای خود را در آنجا دنبال می کرد. اما پس از حادثه یازده سپتامبر، به یکباره سیاست آمریکا نسبت به مسلمانان افراطی که زمانی در دامان خود آموزش داده بود، عوض شد؛ بدان خاطر که در منطقه مورد مطالعه خطر نفوذ وهابیت روز به روز پررنگتر شده و شاهد بمب گذاری و فعالیتهای تروریستی در منطقه بود. در این راستا ابتدا آمریکا برای مبارزه با آنها، دشمن اصلی خود را اسلام در کل جهان معرفی نمود؛ ولی از آنجا که با عدم تفکیک مسلمانان افراطی و میانه رو در جهان، آنها نتوانستند به

<sup>۱</sup> آسیلو یونوسوا، «اسلام بین رود ولگا و کوههای اورال»، ترجمه قاسم ملکی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۹، ش ۳۰، تابستان ۷۹، ص ۱۲۵-۱۳۴.

<sup>۲</sup> گروه مؤلفان (گروه بحران بین المللی)، اسلام رادیکال در آسیای میانه، واکنش به حزب التحریر، ترجمه احسان موحدیان، تهران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، ص ۹۵.

اهداف خود دست یابند، لذا پژوهشگران و محققین آمریکایی، به سیاستمداران پیشنهاد می کنند که کاخ سفید باید به جای تروریست خواندن کل مسلمانان، به مبارزه با اسلام طالبانی و وهابیت افراطی پردازد.

آنها در عمل جهت دستیابی به برنامه های خود در مورد منطقه آسیای میانه و قفقاز، به این نتیجه رسیدند که یکی از راههای اساسی مبارزه با وهابیت و اسلام بنیادگرای وهابی در منطقه، احیاء اسلام صوفیانه می باشد؛ بدان خاطر که به اعتقاد کارشناسان، تصوف جزو عناصر هویتی مردم منطقه محسوب شده و بهمین منظور باید برای احیای اسلام صوفیانه در منطقه تلاش نمود.

این سیاست به دو دلیل به واقعیت نزدیک بود؛ از یکسو اسلام با رویکرد تصوف علی رغم فشارهای شوروی هنوز در دل مردم وجود داشته و از سوی دیگر نیز با وجود احساسات ضد روسی در میان مسلمانان منطقه، آمریکا می توانست با احیای اسلام صوفیانه، بر احساسات مردم منطقه مسلط شده و برای نفوذ خود در منطقه از آن بهره بگیرد.<sup>۱</sup>

آمریکا به منظور احیای تصوف و رسیدن به اهداف خود در منطقه، چند استراتژی را در رئوس برنامه های خود قرار داد: حفظ یا بازسازی مزارها و مرقدهای مقدس مردم و مراکز آموزشی مرتبط با آن، محافظت و ترجمه نسخ خطی قدیمی، ایجاد و تامین هزینه مراکز آموزشی که بر تاریخ و تمدن قدیمی منطقه با تاکید خاص بر سابقه تساهل مذهبی و نژادی متصوفه متمرکز می باشد، تلفیق ارزشهای صوفیانه با ارزش های جامعه مدنی در نهادهای آموزشی و در نهایت تشویق دولتمردان آسیای مرکزی به سعه صدر در مقابل صوفیان. بدین منظور «مرکز کارنگی» و «مرکز مطالعات نیکسون»، مطالعاتی در این موارد بر عهده گرفته و همایشاتی را در باب این موضوعات برگزار کردند.<sup>۲</sup>

ب. ترکیه: یکی از کشورهای فرامنطقه ای که پس از فروپاشی شوروی سرمایه گذاری بسیاری در این منطقه نمود، ترکیه می باشد. این کشور برای نفوذ در منطقه از سه جهت وارد شده است:

<sup>۱</sup> بی نا، بولتن ویژه، پیشین، ص ۱۹.

<sup>۲</sup> خدیجه زغیمی، پیشین، ص ۵۶.

در اولین گام روی زبان ترکی و ارتباط فرهنگی و نژادی مشترک تاکید نموده و همچنین نوع نظام سکولار خود را در منطقه ترویج می دهد. ذکر این نکته ضروری است که این خواست ترکیه ( به خاطر ترس کشورهای منطقه از تاثیرات ناشی از انقلاب اسلامی ایران بر مردم مسلمان منطقه )، مورد پذیرش دولتهای سکولار و غربگرای منطقه قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

قسمت دوم فعالیتهای ترکیه به گسترش تصوف سنتی و احیای آن در منطقه مربوط می شود. فرقه های صوفیانه آنچنان که گذشت در دوره شوروی، اغلب در حد تصوف عامه تنزل یافته و به شکل موروثی در میان رهبران مذهبی محلی دیده می شد. در اوایل دهه ۱۹۹۰، تعدادی از استادان ترکیه به طرح افکار تصوف در منطقه پرداخته و نقطه تمرکز فعالیت های آنها بیشتر در ازبکستان و جنوب قزاقستان بوده است. این کار مورد پذیرش مقامات رسمی محلی قرار گرفت، به گونه ای که «کریم اف» رئیس جمهور ازبکستان، در اولین سفر خود به ترکیه، یکی از سران طریقت نقشبندیه، به نام «مختار خان عبدالله یف» را همراه خود برد.<sup>۲</sup>

در راستای احیای تصوف سنتی، ترکیه به مناطق مذهبی صوفیان از جمله مزار خواجه احمد یسوی و شهر ترکستان در قزاقستان توجه ویژه مبذول داشت. شاهد این مدعی آن است که ترکیه طبق قراردادی با قزاقستان، دانشگاه خواجه احمد یسوی را در کنار مقبره احمد یسوی تاسیس نمود و همچنین به مرمت مقبره خواجه احمد اقدام نمود.<sup>۳</sup> در همین راستا، ترکیه در ازبکستان نیز به ترمیم و بازسازی ضریح بهاءالدین نقشبندی پرداخته و سازمان های خیریه ترکیه، به بورسیه دانشجویان ازبک و نیز تامین سرمایه لازم برای ساختن شماری از مدارس و مساجد در ازبکستان اقدام کردند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> الهه کولایی، بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴، ص ۱۹۶.  
<sup>۲</sup> شیرین اکینر، «سیاسی گرایی اسلام در آسیای مرکزی در دوره پس از شوروی»، ترجمه سعید تقی زاده، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۱۲، ش ۴۵، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۳۵.  
<sup>۳</sup> مهدی سنایی، «طریقت بسویه و نقش آن در گسترش اسلام در آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، س ۶، ش ۱۹، پاییز ۷۶، ص ۹۱.  
<sup>۴</sup> خدیجه زغیمی، پیشین، ص ۵۸.

قسمت سوم فعالیت ترکیه در آسیای میانه و قفقاز به جنبش اسلام اجتماعی فتح... گولن مربوط است. گرچه جنبش ایشان جزء تصوف سنتی تلقی نمی شود؛ اما این جنبش از برخی مؤلفه های تصوف در حیات معنویش برخوردار است. از جمله اینکه آنها با نگاه مصالحه آمیز، به ارزشمند بودن توأمان زندگی مدرن و معنویت اسلامی تاکید دارند. گرچه در این جنبش ساختار سلسله مراتب طریقت وجود ندارد، اما همانند متصوفه، به عرفان و معنویت می پردازد.<sup>۱</sup>

این جنبش با برخورداری از شبکه تلویزیونی، روزنامه و مؤسسات مالی و حتی دانشگاه، فعالیت گسترده ای را در آسیای میانه و قفقاز آغاز کرده و برنامه های آموزشی آنها بر موضوعات علمی و مهارت های فنی متمرکز می باشد. با این حال به طور غیر رسمی از طریق مناسبت های مختلف و توزیع ترجمه رساله نور (مجموعه تعالیم سعید نوری شیخ فرقه نقشبندیه شاخه ترکیه و استاد فتح الله گولن) به زبان های محلی پیامهای خود را در منطقه ترویج می کنند.<sup>۲</sup> نکته مهم در مدارس تاسیس شده این جنبش در جمهوریهای ترک زبان آسیای میانه و قفقاز، تاکید بر ناسیونالیسم ترکی است. از نقطه نظر گولن ارزشهای ترکیه شامل میراث برجای مانده از عثمانی ها، سکولاریسم، اقتصاد بازار و دموکراسی است که سعی دارد آن را گسترش دهد.<sup>۳</sup>

#### ۴. نتیجه گیری و راهکارها:

اسلام با رویکرد تصوف در طول تاریخ نقش مهمی را در منطقه آسیای میانه، قفقاز و روسیه ایفاء نموده و از زمان ورود و گسترش اسلام تا دوره مقاومت و مجاهدت و همچنین در دوران احیای مجدد اسلام، با تمام فشارهای صورت گرفته در طی قرون، صوفیان زحمات بسیاری را متحمل شده و بسیاری از مردم منطقه نیز این رویکرد را به عنوان یکی از عناصر هویت ساز خود پذیرفته اند. آمیخته شدن اسلام صوفیانه با هویت جمعی مردم منطقه تا حدی تاثیر گذار

<sup>۱</sup> بی نا، پولتن ویژه، پیشین، ص ۱۶.

<sup>۲</sup> شیرین اکینر، پیشین، ص ۱۳۵.

<sup>۳</sup> بولید ارس - عمد کاه، «جنبش اسلام لیبرال در ترکیه: اندیشه های فتح اله گولن»، ترجمه سید اسد اله اطهری، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، س ۹، ش ۴، زمستان ۱۳۸۱، ص ۶۸

بوده است که حتی فشارها و جنگ‌های خونین، تبعیدهای دسته جمعی و قومی و همچنین قتل عامها نیز نتوانست باعث جدایی مردم از این گرایش اسلامی گردد. پس از فروپاشی شوروی، با ایجاد فضای باز در منطقه، موج جدید اسلام خواهی در منطقه فعال شد و بسیاری از کشورهای فرامنطقه ای نیز به سرمایه گذاری در این کشورها جهت گسترش افکار خود پرداختند. با توجه به وجود رویکرد تصوف در کشورهای منطقه، نیروهای خارجی جهت تعامل با تصوف دو نوع رویکرد کلان را در پیش گرفتند؛ گروه‌های تندرو و بنیادگرا همانند القاعده، طالبان و وهابیت، به ضدیت و نابودی تصوف همت گماشته و سعی در نابودی طریقتها داشتند.

اما در مقابل برخی دیگر از کشورها که به همکاری با تصوف ادامه دادند، برای منافع خود از تصوف حمایت کردند. آمریکا یکی از این کشورهاست که پس از حادثه یازده سپتامبر، به منظور نابودی وهابیت و اسلام سلفی و ترویج اسلام میانه رو به حمایت از تصوف روی آورده است. از دیگر کشورهایی که با برنامه های مختلف درصدد حمایت از تصوف در منطقه می باشد، کشور ترکیه است. بعضی از دولتمردان سکولار منطقه نیز از این جریان بیرون نبوده و حتی به این جریان کمک می کردند.

حال با توجه به نفوذ تصوف در میان مردم منطقه، جامعه علمی - دانشگاهی و حتی نزد سران سیاسی برخی کشورها، جمهوری اسلامی ایران چه راهکاری را برای تبلیغ تشیع و نفوذ در این منطقه می تواند اتخاذ نماید؟ آیا ما باید به گروه حامیان تصوف بپیوندیم و یا با گروه ضد تصوف همکاری کنیم. برای دست یابی به پاسخ صحیح، توجه به چند نکته مهم ضروری است:

- اهمیت ادبیات فارسی و نقش آن در تصوف: یکی از نکات قابل توجه، اهمیت زبان فارسی در گسترش تصوف در مناطق مختلف جهان است. شعر صوفیانه از غنی ترین سروده های عرفانی در دنیا بوده و ادبیات فارسی در گسترش اسلام در مناطق آسیای میانه و قفقاز نقش مهمی داشته و الگوی ادبی تصوف ایرانی، به مبنایی برای ادبیات صوفیانه ترکی، از آغاز تا شعر کلاسیک امپراطوری

عثمانی تبدیل گردید.<sup>۱</sup> در این راستا یکی از روزنامه های منطقه به نام «ناشاگاز» اظهار می دارد: «بیش از ۸۰ درصد کتیبه ها و دست نوشته های باستانی موجود در کتابخانه آسیای مرکزی به زبان فارسی می باشد که به مثابه یک گنج بسیار غنی و بی پایان است که بدون دانستن زبان فارسی نمی توان از آنها استفاده نمود».<sup>۲</sup>

- جلب توجه هنر ایرانی در تصوف: یکی دیگر از جلوه های فرهنگ ایرانی در منطقه مورد مطالعه، وجود هنر ایرانی است که در معماری، موسیقی و هنر تصویرگری نقش بسزایی دارد. به طور مثال در شهرهای مختلف و زیارتگاههای مهم متصوفه منطقه، آثار معماری ایرانی مشهود است.

- زمینه های ارتباط تشیع و تصوف: از لحاظ عقیدتی و افکار عرفانی، تشیع و تصوف در برخی موارد با هم مشترکند، مانند حب اهل بیت. در این مورد یکی از محققین به نام «ساری توپراک» چنین اظهار نظر می کند که شخصیت امام علی(ع)، به دلیل اهمیت فوق العاده اش نزد مسلمانان شیعه و صوفیان اهل سنت می تواند زمینه مشترکی برای شیعه و اهل سنت باشد.<sup>۳</sup>

- تقابل ایران، تشیع و تصوف با وهابیت: همانطور که قبلاً ذکر شد، ورود وهابیون (به عنوان دشمن اولیه تشیع و تصوف) به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، از دهه ۱۹۸۰ شروع شده و با فروپاشی شوروی، فعالیت آنها شدت بیشتری یافت. در سالهای اخیر، وهابیون فعالیت زیادی در منطقه داشته اند که از جمله مهم ترین آنها می توان به جنگهای داخلی تاجیکستان، حرکتهای تروریستی در ازبکستان و قزاقستان و نفوذ در چین و حتی نفوذ در آذربایجان شیعه نشین اشاره کرد. ذکر این نکته ضروری است که دشمنی سرسختانه وهابیت با تصوف در نظر و عمل، تا حدی است که وهابیون به هر شکلی به دنبال نابودی تصوف بوده و این در حالی است که اسلام با رویکرد تصوف، به عنوان عنصر هویتی مردم منطقه درآمده است.

<sup>۱</sup> لئونارد لویزان، پیشین، ص ۴۰ - ۴۶

<sup>۲</sup> بی نا، «زبان فارسی در آسیای میانه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۶، ش ۷، بهار ۱۳۷۶، ص ۲۶۱.

<sup>۳</sup> بی نا، بولتن ویژه، پیشین، ص ۱۵.

- نفوذ آمریکا و ترکیه در منطقه و رویکرد حمایتی آنها در قبال تصوف: آمریکا و ترکیه در تقابل با سیاست های وهابیت، به حمایت از تصوف روی آورده و سعی دارند با حمایت از اسلام میانه رو در منطقه نفوذ کنند. در خصوص ترکیه باید اظهار داشت که آنها نوعی پان ترکیسم را در منطقه اشاعه داده و بر آن هستند تا تصوف را با رویکرد ترکی در منطقه اشاعه دهند. به همین دلیل ترکیه به احمد یسوی و طریقت یسویه اهمیت ویژه می دهد، چون احمد یسوی یکی از اولین و مشهورترین صوفیانی بود که نکات عرفانی خود را به زبان ترکی در دیوان حکمت تألیف نموده و حتی آثار عرفانی ایرانی را نیز به زبان ترکی به رشته تحریر درآورد. این نوع نگاه ترکیه، به گونه ای باعث رشد پان ترکیسم در منطقه شده است که برخی از سیاستمداران منطقه، ضمن برخورداری از حمایت های این کشور، الگوی حکومتی خود را از آنها اقتباس نموده اند.

- ساختار پدرسالار در طریقتها: یکی از نکات تأثیرگذار در اشاعه و حفظ تصوف، ساختار پدرسالارانه جوامع منطقه قفقاز و آسیای مرکزی می باشد. به طور مثال در ۱۹۷۳م طبق نظرسنجی که از مریدان تصوف در خصوص علت ورودشان به طریقتها، حدود ۳۶ درصد، تعلق خاطر به خانواده و ارث بردن از والدین را علت ورود به طریقتها اعلان کرده اند. در این رابطه، در مناطقی که خانواده ها به شکل پدرسالارانه شکل یافته است، تصوف و ساختار طریقتها حفظ مانده است.<sup>۱</sup> پس از ذکر موارد مذکور، سؤال نهایی این است که راهکارهای پیش روی ما در تبلیغ و گسترش تشیع چه می باشد؟ جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور شیعی، به طور کلی نمی تواند سیاست حمایتی همانند ترکیه و آمریکا یا ضدیت کامل مثل عربستان را در پیش گیرد؛ چون به نظر می رسد گروه دوم یعنی ضد تصوف برای تشیع خطرناک است؛ لذا ایران باید ضمن گسترش رابطه فرهنگی با کشورهای منطقه، اجازه ندهد تا ترکیه ساختار و فرهنگ ترکی را بر منطقه مسلط نموده و ریشه های فرهنگ ایرانی منطقه را استحاله نماید. در این رابطه ایران باید با مهم تلقی کردن فرهنگ ایرانی، برای احیای آن تلاش کند. در این راستا اقداماتی همچون تصحیح و انتشار نسخ خطی فارسی منطقه، احیای

۱. الکساندر بنیگسن و اندرس و یمبوش، پیشین، صص ۸۲ و ۸۶



زبان فارسی و حفظ آن در منطقه مخصوصاً مناطق فارسی زبان، تأکید روی افراد ایرانی که در این خطه تأثیرگذار می باشند (مانند شیخ یوسف همدانی که طریقت‌های یسویه، نقشبندیه و خواجگان از ایشان نشأت می گیرند)، ضروری به نظر می رسد.

از آنجا که منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، بستری آماده برای احیای تصوف بوده و اسلام صوفیانه نیز نزد مسلمانان منطقه جایگاه خوبی دارد و همچنین بعد از فروپاشی شوروی نیز یک خلاء هویتی در این کشورهای تازه استقلال یافته به وجود آمده و مردم به دنبال ریشه های اصیل خود می باشند؛ لذا این موقعیت فرصت خوبی برای رشد تشیع در اختیار ما قرار می دهد و برای استفاده از فرصت مذکور، ایران دو راهکار را جهت دستیابی به اهداف می تواند در نظر قرار دهد: در قدم اول باید با تأکید بر مشترکات تشیع و تصوف به صوفیان منطقه نزدیک شد تا از نفوذ وهابیان، آمریکا و ترکیه به آنها جلوگیری کرد. در این راستا احیای مراکز فرهنگی و باز تولید اندیشه ها، در مقابل تخریب حملات وهابیت ضروریست.

قدم دومی که پیش روی ما قرار دارد، تبلیغ تشیع به شکل عرفانی آن در منطقه است؛ بدان خاطر که بستر متصوفانه منطقه، آماده پذیرش اندیشه های عرفانی است، لذا برای تبلیغ و گسترش تشیع در منطقه می توان از بُعد عرفانی تشیع استفاده کرد. به نظر می رسد این همان نکته ای بود که حضرت امام خمینی (ره) در نامه معروف خود به گورباچف به آن اشاره داشته و جنبه عرفانی اسلام را جهت حل مشکلات منطقه پیشنهاد می کنند. نکته قابل توجه اینکه، حضرت امام(ره) از میان تمام دانشمندان اسلامی در رشته های مختلف، از عرفان ابن عربی نام می برد که این بیانگر دقت و اهمیت ایشان نسبت به احیاء عرفان در منطقه می باشد. در این راستا برای آشنایی مردم منطقه با اندیشه های حضرت امام(ره) هم می توان از بُعد عرفانی امام و آثار ایشان در این زمینه همچون چهل حدیث، دیوان شعر حضرت امام و... بهره گرفت .

## منابع :

۱. آلیسون روی، لتجانسون، امنیت در آسیای مرکزی، ترجمه محمد رضا دبیری، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲.
۲. احمد درنیکه محمد، الطریقه النقشبندیه و اعلامها، بی جا؛ انتشارات جروس برس، ۱۳۶۵.
۳. احمدیان شالچی نسرین، دیار آشنا: ویژگیهای جغرافیایی کشورهای آسیای مرکزی، مشهد؛ آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۴. ارس یولید عمرکاه، «جنبش اسلام لیبرال در ترکیه: اندیشه های فتح الله گولن»، ترجمه سید اسداله اطهری، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، س ۹، ش ۴، زمستان ۱۳۸۱.
۵. اکینر شیرین، «سیاسی گرایی اسلام در آسیای مرکزی در دوره پس از شوروی» ترجمه سعید تقی زاده، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۱۲، ش ۴۵، بهار ۱۳۸۳.
۶. امیدوارنیا محمد جواد، «طریقت کبرویه در چین»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۹، ش ۳۰، تابستان ۷۹.
۷. امیدوارنیا محمد جواد، «نقشبندیه و نقش آن در حوزه آسیای مرکزی و چین»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۳، ش ۶، پاییز ۱۳۷۳.
۸. بنیگسن الکساندر و مری براکس آپ، مسلمانان شوروی، گذشته، حال و آینده، ترجمه کاوه بیات، تهران؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۹. بنیگسن الکساندر، اندرس و یمبوش، صوفیان و کمیسرها، ترجمه افسانه منفرد، تهران؛ دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۸.
۱۰. بی نا، «گزارش: جوامع مسلمان و سازمانهای اسلامی فدراسیون روسیه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۱۶، ش ۵۹، پاییز ۱۳۸۶.
۱۱. بی نا، بولتن ویژه: فهم تصوف و نقش بالقوه آن در سیاست خارجی آمریکا، تهران؛ مؤسسه ابرار معاصر تهران، فروردین ۱۳۸۴.
۱۲. بی نا، «گزارش: زبان فارسی در آسیای میانه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۶، ش ۷، بهار ۱۳۷۶.

۱۳. تراب زاده منیژه و دیگران، ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.
۱۴. حشمت زاده محمد باقر، تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۵. رشید احمد، جهاد: اسلام پیکارجو در آسیای میانه، ترجمه جمال آرام، تهران؛ نشر عرفان، ۱۳۸۷.
۱۶. روشندل خلیل، رافیک قلی پور، سیاست و حکومت در ترکمنستان، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸.
۱۷. روی مک لین فیس، شیخ شامل داغستانی، ترجمه کاوه بیات، تهران؛ دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۰.
۱۸. زرین کوب عبدالحسین، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران؛ امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۱۹. زغیمی خدیجه، «تصوف در آسیای میانه، قدرت میانه رو یا مهره سیاسی؟»، فصلنامه پژوهشهای منطقه ای، پیش شماره ۱، زمستان ۱۳۸۷.
۲۰. سرّیه الیزابت، صوفیان و ضد صوفیان، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران؛ نشر مرکز، ۱۳۸۱.
۲۱. سنایی مهدی، «طریقت یسویه و نقش آن در گسترش اسلام در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۶، ش ۱۹، پاییز ۱۳۷۶.
۲۲. سنایی مهدی، ره آورد ماوراء النهر، تهران؛ انتشارات الهدی، ۱۳۷۸.
۲۳. شیخ عطار علیرضا، ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران؛ انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱.
۲۴. حداد عادل غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۷، تهران؛ بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۵. کامر م ع و دیگران، دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز، ترجمه سید غلامرضا سهامی، تهران؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
۲۶. کتانی علی، اقلیتهای مسلمان در جهان امروز، ترجمه محمد حسین آریا، تهران؛ امیرکبیر، ۱۳۸۳.

۲۷. کدیور جمیله، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران؛ نشر اطلاعات، ۱۳۷۹
۲۸. کولایی الهه، بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
۲۹. کولایی الهه، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶.
۳۰. گراس جوآن، «هویت فرهنگی و مذهبی در آسیای مرکزی»، ترجمه محمد شوری، فصلنامه مطالعات آسیای میانه و قفقاز، س ۲، ش ۴، بهار ۱۳۷۳.
۳۱. گروه مؤلفان (گروه بحران بین المللی)، اسلام رادیکال در آسیای میانه؛ واکنش به حزب التحریر، ترجمه احسان موحدیان، تهران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
۳۲. گلی زواره غلامرضا، جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، قم؛ دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
۳۳. گلی زواره غلامرضا، شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین، قم؛ مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰
۳۴. لویزان لئونارد، میراث تصوف، ج ۱، ترجمه دکتر مجدالدین کیوانی، تهران؛ نشر مرکز، ۱۳۸۴.
۳۵. محمدی منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵
۳۶. مسعودنیا حسین، «بنیادگرایی در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۶۴، زمستان ۱۳۸۷.
۳۷. موسوی بجنوردی کاظم، اسلام پژوهی تاریخی و فرهنگی، تهران؛ وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۸۳.
۳۸. موسوی بجنوردی کاظم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۵، تهران؛ مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۳۹. واحدی الیاس، برآورد استراتژیک آذربایجان، جلد اول، تهران؛ موسسه ابرار معاصر، ۱۳۸۲.

۴۰. واحدی الیاس، هویت قومی در جمهوری آذربایجان، تهران؛ ابرار معاصر تهران؛ ۱۳۸۶.
۴۱. وصالی مزین یوسف، جنبش اسلامی ازبکستان، تهران؛ اندیشه سازان نور، ۱۳۸۵.
۴۲. وصالی مزین یوسف، حزب التحریر ازبکستان، تهران؛ اندیشه سازان نور، ۱۳۸۵.
۴۳. وفایی عباسعلی، سیمای فرهنگی ازبکستان، تهران؛ انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۸۴.
۴۴. ویلهلمسن ژولی، «اسلام گرایی، جنبش جدایی طلب چچن»، ترجمه سعید نقی زاده، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۱۳، ش ۴۹، بهار ۱۳۸۴.
۴۵. هاشمی غلامرضا، امنیت در قفقاز جنوبی، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
۴۶. هینلز جان. آر، فرهنگ ادیان جهان، ترجمه و ویراسته ع پاشایی، قم؛ مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵.
۴۷. یزدانی عنایت ا... ، «چرا رفرمهای دموکراتیک در آسیای مرکزی کارگر نمی افتند»، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال ۲۲، ش ۲۴۲-۲۴۱، مهر و آبان ۱۳۸۶.
۴۸. یونوسوا آسیلو، «اسلام بین رود ولگا و کوههای اورال»، ترجمه قاسم ملکی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۹، ش ۳۰، تابستان ۱۳۷۹.
- Westerlund. David, Ingvar svanberg, Islam outside the Arab World, Richmond; curzon, ۱۹۹۹.